

حقیقت

شماره ۱۰۲ ۲۱ بهمن ۱۳۳۹

اخبار

مردم ایران برخلاف اشتغال حزب هرجی و تسلیم طلب حاکم و تسلیمات دز و عمن را دیو - تلویزیون و مطبوعات وابسته ، کاملاً آگاهند که در قضیه معامله سرگرد و کاتهای

حاسوس چه کلامی بر سر آنها گذارده شده وجه خیانت هاشمی صورت گرفته است . دولت - جنا بیکار آمریکا حتی هیچیک از چهار شرط مجلس را نپذیرفت

بقیه در صفحه ۱۸

سر مقاله

مرگ بر آنهایی که بخواهند بر سر این جنگ سازش کنند!

از ابتدا ، کاملاً معلوم بود که آزادی جاسوسان آمریکائی دارای ارتش - مستقیمی با مسئله جنگ می باشد ، و اکنون زمزمه ساخت و باخت سیاسی با عراق و بیان دادن به جنگ از راه مذاکرات سیاسی - یعنی دفاعاً همان چیزی که آمریکا دوست شایستگی در منطقه طلب میکنند - در میان هاب حاکمه مالا میگیرد . این رزمه ، ساخت و باخت ارزشان باره ای است

بر سر غنائم نزار ننگید که ملتی را به شنیست خواهید داد!

درباره رویداد تاسف باریاسگاه حمید

رویداد فوسا باریاسگاه حمید یا درس عبرتی مانند برای همه رزمندگان که خون خود را در جبهه های جنگ بنا آرائی و استقلال این کشور میکنند .

همچنین این رویداد غم انگیز ، که فاجعه ای بنا آورد ، باید خطاری باشد به دارو دسته های طمعکار سلطه جو که تعرضه و نغسای بقیه در صفحه ۳

از ابتدا ، کاملاً معلوم بود که آزادی جاسوسان آمریکائی دارای ارتش - مستقیمی با مسئله جنگ می باشد ، و اکنون زمزمه ساخت و باخت سیاسی با عراق و بیان دادن به جنگ از راه مذاکرات سیاسی - یعنی دفاعاً همان چیزی که آمریکا دوست شایستگی در منطقه طلب میکنند - در میان هاب حاکمه مالا میگیرد . این رزمه ، ساخت و باخت ارزشان باره ای است

شوراها باید متکی به کارگران باشند

تجربهای از کارخانه هوخست

صفحه ۲۲

مبارزات دهقانی در آمل

صفحه ۲

مقدمه ای درباره "راه سوم"

صفحه ۲

اینها کیستند و از جان ملت چه میخواهند؟

(۳) صفحه ۱۵

نامه یک کارگر

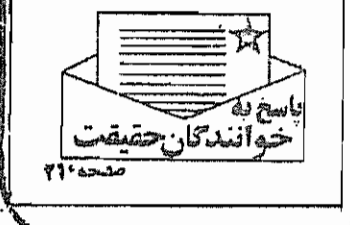
صفحه ۱۲

این پاسخ زیوانه پاسخ ملت ایران نیست!

صفحه ۲۲

کارگران و سود ویژه

سازدگی با آن سال جاری ، باردیگر مسئله سود ویژه کارگران معزول یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث و درگیری در درون کارجات و موسسات خدماتی تجلی میکند . سازدگی کارگران بگرد سود ویژه بقیه در صفحه ۱۰



گزارش مختصری از فعالیت کارگران شرکت فیروز در رابطه با جنگ تحمیلی

صفحه ۵

خبری تحریف شده از چین

صفحه ۲۲

هوک پر...

بقیه از صفحہ اول —
 دارند از راه مذاکره سیاسی
 و کارآمدن با دولت ریگان سر
 و ته جنگ را سپم آورند، حتی
 برپدی بودن ششم سارن در
 میان دولتمردان جمهوری
 اسلامی است. هماهنگی که با
 تسلیم به خواسته های آمریکا در
 قضیه گروگانهای جاسوسان
 جوانمردانه و حتی با زیربسا
 گذاشتن مصوبات مجلس خویش
 به مصالح ملی و شرف و حیثیت
 ملت ایران لگد کوبیدند مقدم
 تسلیم شدن به پاره ای خواسته
 های عراق و کارآمدن با ابر
 قدرت و دولت ریگان را تهیه
 می بینند. سرخ سامی این
 اقدامات و تلاش های خاشاکه
 تلقی معمول در دست حزب جمهوری
 اسلامی، یعنی حزب خاکمه به
 اصطلاح مکتبی کشور، و دولست
 هوچی مسلک عروسکی آن میا
 شد.
 دیدارهای اولت پالمه
 نماینده ویژه سازمان ملل
 سا باره ای از سران جمهوری
 اسلامی و آمدن هیئتی از سوی
 اعضا شرکت کننده در کنفرانس
 کشورهای اسلامی به تهران
 دقیقاً بمطو رطلب دولت ایران
 به قبول راه حل مذاکره سیاسی
 و سازش با رژیم تجار و زکا ر عراق
 و در واقع با آمریکا — صورت
 گرفت. نگاهی به ترکیب
 هیئت یاد شده نشان میدهد که
 تماماً از دلال ها و طرفداران
 سیاست آمریکا در منطقه تشکیل
 شده اند، یعنی از وزیران
 امور خارجه حکومت های نظامی

ترکیه و پاکستان، حبیب شطی
 دسیرکل کنفرانس اسلامی آقای
 فاروق قدومی مسئول دفتر
 سیاسی سازمان آزادیبخش
 فلسطین، کدشفا جناح عربستان
 سعودی یعنی آمریکا را در درون
 این سازمان مابندگی می
 کند. هیئت یاد شده برای طرح
 پیشنهادهای سازشی کسه در
 ارتباط با جنگ عراق علیه
 ایران قرار است در کنفرانس
 کشورهای اسلامی در طائف مورد
 رسیدگی و تصویب قرار بگیرد،
 سازمان دولت و حزب کذاشی
 سیاسی گرفت و حتی برای دیدار
 آقای رجائی رنج سفره بندر
 عباس را خرید. لازم به یادآوری
 است که سرخلاف ادعای دروغی
 سهرادسوی، دولت رجائی
 حتی تمایل داشت که در کنفرانس
 نیس ارتجائی کشورهای اسلامی
 در طائف شرکت کند، ولی بعد
 سفلت مخالفت خمینی ناچار
 به تغییر رای شد، و حال این
 عدم شرکت را با دیدار رهبرای
 مستقیم با هیئتی از کنفرانس
 یاد شده در تهران و سندر عباس
 جبران میکرد. این دیدارها
 دقیقاً بمطو ر بررسی پیشنهاد
 های سازش با رژیم تجار و زکار و
 در حال سقوط عراق و از این
 راه کارآمدن سازمان رژیمهای
 ارتجائی و دست نشانده منطقه،
 صورت گرفت. پیشنهادها کاشی
 که استتعال سازمان دولت و حزب
 از آنجا پس از معا مله، خائنه
 اشان با آمریکا بر سر قضیه گرو
 گانها کاملاً منطقی نظر میبرید،
 چندی پیش نیز شمس اردکانی،
 سا واکی حرا زده ای که با
 "سیا" ارتباط داشتند و
 امروز بعنوان سفیر ایران در
 کویت و نماینده ویژه آقای
 رجائی در سازمان ملل کسار
 میکند، گفته بود که ما (یعنی
 دولت رجائی) حاضریم بر اساس
 قرارداد ۱۹۷۵ از دولت عراق
 و از مذاکره شروع. سعبارت
 دیگر تماس های ذکر شده دقیقاً
 از وجود سیاست تسلیم طلبانه ای
 در دستگاه خاکمه حکما بهت میکنند که

از قبل، و از جمله اساس
 مراودات شمس اردکانی معلوم
 الحال در سازمان ملل، تنظیم
 شده و اکنون پس از پایان کار
 سازش ننکین بر سر گروگانها
 بگیری میشود.
 تلاش برای سازش با رژیم
 سنی تحا و زکار عراق مقدمه
 سازش با تحائی ضد انقلاب
 منطقه و سیاست استعماری
 اسر قدرت ها در منطقه است.
 چنین سازشی بمنزله خیانت
 مسلم به ملت ایران است.
 دارودسته تسلیم طلب رجائی،
 که از حزب خاکمه دستور میگیرد،
 با تسلیم شدن به خواسته های
 آمریکا در قضیه جاسوسهای
 آمریکائی مقدمات چنین سازش
 همه جانبه، تنگینی را فراهم
 کرده و در صورت عدم مقابله محکم
 با آن، این راه خاشاکه را
 تا پایان ادامه خواهد داد. ما
 بعدها نشان خواهیم داد که این
 دارودسته ای که بکمک یک شکه
 ارتجائی — پلیسی حزبی و سر
 کردگی بهشتی سعی در تصرف
 کامل قدرت و احیای کاسل
 استبداد را دارد، تمایل دارد
 با سازمان میریالیستی ریگان —
 کیس سرحد و روشنگری کنار بیاید
 و همان سیاست های رژیم ملعون
 پهلوی را در کشور ما بیا ده کند.
 اگر جناحی از محافل ضد انقلابی
 لیسرال بدسیاستهای کاسر تر
 چشم داشته اند، این دارودسته
 نیز به سیاست های نیکسونی —
 کیسینجری ریگان یعنی دقیقاً
 همان سیاست ها می که سس از
 یک دهه اخساق و وحشت پلیسی
 را بر کشور ما حاکم کرد، چشم
 دوخته و یک دلیل تحمیلی کسه
 این دارودسته، نگار قدس درت
پرست برای آزادی گروگانها
در آستانه ورود ریگان به گناج
سفید داشت ترساندن ملت تسلیم
نا پذیر ما از این سازمان میریالیستی
لیستی و تلقین این اعتقاد
سخیف که ما اربابان جدید گناج
سفید چاره ای جز کنار آمدن
نمیابیم... همین دارودسته،
 تسلیم طلب بنا به مصلحت، سیا

ست سازش با شیطان شمالی —
 شوروی — را نیز دنبال میکنند و
 این دقیقاً با سیاست نیکسونی
 — کیسینجری — محمدرضا شاهی
 دهه پیش از انقلاب در کشور ما
 مطابقت دارند. تمایل ایس
 بخش از محافل خاکمه کشور
 برای سازش بر سر مسئله افغان —
 ستان و شرکت در تماس های
 مستقیم دولتهای پاکستان و
 روسیه جزء مکملی از سیاست یاد
 شده است. و از همین حاست که
 باره ای از نمایندگان ونشوی
 نامی در مجلس در باره ما مطلاع
 مزاحمت آوارگان افغانی در
 کشور ما، که از مظلوم حکومت
 آدمکشان فاشیست به اسر ان
 پناه آورده اند، زبان درازی
 میکنند (و بقول خودهای حسو
 سازی میکنند). البته مال
 و برگرفتن جریان در خط سازش
 با سویال امیریا لیسیم روس
 در هیئت افرادی چون حلال
 الدین تارسی در حزب جمهوری
 اسلامی پایه دیگری برای
 توجه هر دو ابر قدرت به ایس
 حزب و ملحقات آن در دولت و
 دستگاه میباشند.
 امروز طولانی شدن جنگ
 و عدم امکان پیشروی سریع
 جبهه ها، مستمکی دست ایس
 دارودسته، تسلیم طلب داده تا
 از سن ست جنگ یعنی راه حمل
 نظامی در محافل خود دم بزنند و
 آنرا بهانه ای برای تحویب
 با اصطلاح راه حل های سیاسی
 یعنی مذاکره و سازش با دشمن
 قرار دهند. در حالیکه این خود
 شانند که در بن بست اندونسه
 جنگ مقاومت عادلانه مردم ما
 این دارودسته و دولت عوام —
 فریب چون خودشان در جا معمه
 سن ست کشیده شده و دچار افراد
 شده اند. و علاوه ادامه جنگ
 را با وضع حاضر به زیان جناح
 خویش می بینند، دشمنان راه
 نجاتی در معاملات منطقه ای
 و طلب بیسیانی اسر قدرت ها
 میگردند و حال جنگ را بهانه
 طولانی شدن و اصطلاح در سن
 بقیه در صفحه ۹

پرسرغنائم . . .

بقیه امرتجه اول —
را در میان بوده، جنگجویان
دامن میزنند و بجای لودست یابی
به مثنی بول سیاه که در سارزار
قدرت در شهران خرج کنند صدها
تن را به کشتن میدهند و سر نوشت
و موجودیت ملتی را در این
جنگ به خطر می اندازند.

با سکا همید یکی از نقاط
اسرا تزیکی مهبی اسکا که از
اوایل جنگ بدست نیروهای
تجا و زکار عراقی افتاد. نیرو-
های تجا و زکار به ما خن-
استحکامات در این نقطه بردا-
خته و این با سکا، اسکی از
سکوهای تعرضی خود در جبهه های
سوستگرد و هوا ز تبدیل کردند.
طبعاً با زسی گرفتن این با سکا
توسط نیروهای با احمیت
ریادی داشته و در دو خصوصاً
غصب کردن دمن اراش نقطه
شهرهای سوستگرد و هوا ز را از
سیررس توپهای دمن خارج
میکنند. در پی سپاه سیررس-
سدانه، سروهای جودی سه
دمن در پانزده دی - حدود
دور و پس از آن - نیروی ستر-
کی از ارتش، سپاه پاسداران
و گروههای داوطلب برای باز
پس گرفتن با سکا همید حرکت
میکنند و پیروز مندانها این با-
سکا را اسرا تزیکی دشمن را سه
صرف خود در میان آورد. در این
با سکا غنائم هفتتتی از سلاح
سگین و سگ و مپنا و...
بحای مانده بود و نیروهای
عراقی، که غافلگیر شده بود-
ند، سعفا کشته یا دستگیر و
بقیه هر با ن منواری شده.

اما در این نقطه، اوج
پیروزی داستان غماگیری
روی میدهد: میان افراد سپاه
و ارتش بر سر تصرف غنائم و
تقسیم آنها نزاع در میگیرد و
حتی آنها آن نمیکند که این
غنائم هفتت و ذیقیت را،
که بمهای خون جوانان مردم
بدست آمده و از آن این مردم
است، از آنها بکان دهند و
مورا به بخت جبهه منتقل کنند.
طمع کاری و همجنسی میان
ارتشی و سپاهی آنقدر بالا
میگیرد که هر دسته از سیم دسترد
دسته، دیگر به غنائم میا شده
بخش عمده، نیروی خود را ما مور
نکبانی از این غنائم میکنند
در نتیجه تنها بخش غیر عمده ای
از فاجان با سکا همید میماند
از خود با سکا و آن ناحیه را به
عهده میگیرد. در این فاصله
نیروهای تجا و زکار دشمن سار
دیگر خود را از این داده و از
قرار با سه تیب برای تصرف
دوباره، با سکا همید هجوم می-
آورند و طبعاً به سادگی قادر
میشوند که نیروهای ما را غافل-
گیر کنند. سخنی از نیروهای
ما شهید و اسیر میشود و سسی
مینواید خود را از مملکت حساب
دهد. ولی در اینجا ما زهمان
هفتتتی دشمنانه با رد و زکار
خود را میکنند و نکست را در جندان
میگردانند. داستان اینکند در
میان این بخش از نیروهای
خودی که ما جا رسه عقب نشینی
میشوند در باره، سرنوشت آن
غنائم و نظر ظاهراً همیشه بود.
دشمنای بدستی میگوید بهتر
است همه آنها را: سیر و نا بود
کنیم تا دست کم بدست دشمن
نفتند: حال آنکه دسته دیگر
به طمع اطمینان، حفظ این
غنائم در آن شرایط غافلگیری
از اسکار خلوکوری میکنند.
سعه آن مسود که این بخش
از نیروهای ما سیر و نا بود
یکه عقب نشینی نهادند،
موقع و محوطی را از زمان
دهند و با لاجرم غنائم میا شده
سی کم و کسر دوباره به چنگ

دشمن میافتد و هم اینک بخش
از سلاحها و میمات خود ما نیز
که همراه ما ارتش و سپاه بدانجا
آورده شده بود در آنجا میماند
و به غنیمت دشمن در میساید.
پس از آن نیروهای تجا و زکار
عراقی، که از این موفقیت
مفت و محاسنی خود، که صرفاً بر
اسرا اختلاف و دارو دسته سازی
در میان نیروهای خودی بدست
آورده بودند، حری شده و بیک
تعرض هویزه را سیر و نا به تصرف
میکنند. که البته یکی دو روز
بعد هویزه دوباره به تصرف نیرو
های ما در میاید.
رودا غما انگیز با سکا
حمید را به چه میتوان تعبیر
کرد؟ سبب آنرا از کجا میتوان
ناشی دانست؟ این شکستی
نمود که نتیجه نیرومندی دشمن
تجا و زکار باشد. این شکستی
بود که از نیرومندی دشمن
درونی ما، از نیرومندی دیو
حری و آنجا هطلسانه ای که دارو
دسته های فاسد تهران به میان
جنگجویان ما افکنده اند، نا-
شی میگذشت.
این شکستی بود که بقول
ابونکر در جنگ اخد سلیمان
در عین چیرگی سربا نازل
کش، و بقول محمد در همان
جنگ نتیجه، بی ایمانی و سال
پرستی و حاه طنی بود. نکدان
رید ما کموبستتتتتتتتتتتتتتتتت
آقایان و حصرات اسلام با هسی
که در تهران سارایکه قدرت لم
داده و به خاطر ماب و ا حصرار
قدرت در میان نوده جنگجویان
نخم اختلاف و دشمنی و دارو دسته
سازی میکارند... به این
آقایان و حصراتی که گوش فلک
را از سلیمان و حنکه مکتبی گری
خوین کر کرده اند، کمی در پی
از تاریخ اسلام خود شکان را
دهیم. بلکه مردم نام این حصرات
را اگر نه سکوینان برب کنند،
و ورر مندگان ما و حدت خود را
که شرط پیروزی سردشمن انقلاب
و کشور است فدای این دارو دسته -
های مرتجع قدرت طلب نگردا-
ند. طبق روایات سلیمانان

جنگ احدیکی از مهمترین
جنگهای مسلمانان یعنی طرف -
داران جنبش اسلامی سیرسری
محمد بود، که به شکست آنها
انجا مید. در این جنگ با آنکه
سپاهیان مخالفان اسلام
(قریش) انبوه تر از سپاه
مسلمانان بودند، در ابتدا
چیرگی با مسلمانان میشود
و دلیل این چیرگی هم بطور
عمده وحدت و اعتقاد آرمسان
مشترکی بود که توده جنگجویان
را به از خود گذشتگی سیرمی -
انکیخت. لیکن اندکی بعد
دشمن، تیراندازی که قرار
بود تا پایان جنگ در ارتفاعات
کوه احد ما ساند و محنه جنگ را
مراقبت کرده و خصوصاً از پشت
حرکت دشمن را سد کنند، ناگهان
با دیدن نخستین آثار شکست
دشمن و روی زمین ماندن غنا -
تم جنگی بسیاری از اردوی آنها،
همه چیز را فراقا موش کرده و به طمع
غنائم و برای پیش دستی بر
دیگران سگروهای خود را رها
میکنند و در آن هنگامه مشغول
جمع آوری غنائم برای خود
میشوند. غنائمی که مراحتسی
پس از پایان جنگ معسرداری
سیرتتتتتتتتتتتتتتتتتتتتتتتت
متعلق به همگان بود، نتیجه
این طمناکاری این میشود که
پشت سپاه مسلمانان حالی می-
شود و دشمن با استعداد آریسن
فرصت بخشی از نیروهای خود را
دور میگرداند و از پشت به مسلما-
نان حمله میبرد. بدینسان
محمد و سپاهیان از دو طرف در
محاصره قرار میگیرند و از میان
کشتار بزرگی صورت میگیرد.
مسلمانان در عین غلبه مغلوب
میشوند. اکنون داستان با-
سکا همید همان داستان رزمگاه
اخداست، با این تفاوت که در
آن زمان گروهی از زاهدان دانی
اسکارها را گرد و این زمان
دارو دسته های از طرف یمنی و
قدرت پرستی اریسن به ایسن
با دانی ها در جبهه های جنگ
دامن میزنند.

مقدمه‌ای در باره

راه سوم

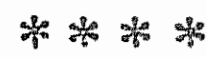
در آذربایجان جلسه‌ای در تهران با شرکت تعدادی از نمایندگان مباحثات نیروهای مذهبی در سالهای اخیر برگزار شد. در این جلسه شیخ علی تهرانی، حجت الاسلام لاهوتی و حاج احمد خمینی و خانم شریعتی رضوی (همسر شریعتی) سار دیگر مسالیه راه سوم را به عنوان چاره، بین سیاست سیاسی کثرتی ارائه دادند و این راه را در طریقی سخنرانی‌ها نشان در نفی راه‌های جناح‌های مهم حاکمیت یعنی حزب جمهوری و لیبرال‌ها عرضه داشتند.

در شرایط کنونی کشور - شکنی‌ها، ضعف‌ها و ناتوانی‌های نیروهای مختلف حاکم و بخصوص استبدادی که بر سر برده دین بنسبت حزب جمهوری اسلام می‌احیا میشود، نمی‌توانستند مورد اعتراض نیروهای مبارز مذهبی که مدتها تحت لایوای خمینی به تلاشی آرمانخواهانند علیه میریالیسم و ارتجاع می‌پرداخته‌اند، قرار نگیرد، این که این نیروها با احساس سرخوردگی از سازشکاران و انحصار طلبی‌های حزبی و لیبرال‌های شریک در قدرت همچونجوی راهی جدید بفریزند، نه‌خبر از راهی است و نه‌مسالیه‌ای که قابل پیش‌بینی نبوده‌باشد، ما بارها در معاهدات روزنامه حقیقت و در بسیاری اسناد دیگر وجود چنین نیروی سوم سوازی رهبری حزب جمهوری و جریانات سوزوزوا لیبرالی را در میان طیف نیروهای "پیر و امام" تشخیص داده و نظراتمان را در رابطه با این نیروها بیان کرده‌ایم.

در میان ما سوسیالیست‌ها در مورد مسالیه راه سوم را به عنوان چاره، بین سیاست سیاسی کثرتی ارائه دادند و این راه را در طریقی سخنرانی‌ها نشان در نفی راه‌های جناح‌های مهم حاکمیت یعنی حزب جمهوری و لیبرال‌ها عرضه داشتند.

در شرایط کنونی کشور - شکنی‌ها، ضعف‌ها و ناتوانی‌های نیروهای مختلف حاکم و بخصوص استبدادی که بر سر برده دین بنسبت حزب جمهوری اسلام می‌احیا میشود، نمی‌توانستند مورد اعتراض نیروهای مبارز مذهبی که مدتها تحت لایوای خمینی به تلاشی آرمانخواهانند علیه میریالیسم و ارتجاع می‌پرداخته‌اند، قرار نگیرد، این که این نیروها با احساس سرخوردگی از سازشکاران و انحصار طلبی‌های حزبی و لیبرال‌های شریک در قدرت همچونجوی راهی جدید بفریزند، نه‌خبر از راهی است و نه‌مسالیه‌ای که قابل پیش‌بینی نبوده‌باشد، ما بارها در معاهدات روزنامه حقیقت و در بسیاری اسناد دیگر وجود چنین نیروی سوم سوازی رهبری حزب جمهوری و جریانات سوزوزوا لیبرالی را در میان طیف نیروهای "پیر و امام" تشخیص داده و نظراتمان را در رابطه با این نیروها بیان کرده‌ایم.

در همه سخنرانی‌ها سوسیالیست‌ها در مورد مسالیه راه سوم را به عنوان چاره، بین سیاست سیاسی کثرتی ارائه دادند و این راه را در طریقی سخنرانی‌ها نشان در نفی راه‌های جناح‌های مهم حاکمیت یعنی حزب جمهوری و لیبرال‌ها عرضه داشتند.



سؤال!

آیا رابطه‌ای میان لغوناگهانی بخش تلویزیونی جنسی و سازش سرقرضیه‌ها سوسیالیست‌ها و آمریکا وجود نمی‌باشد؟
پس چرا دقیقاً در زمان طرح و بحث لایحه‌های سرسوسوط به این قضیه بخش تلویزیونی این بهمنها قطع شد؟

دشمنان روی از بورژوازی و جناح‌های ارتجاعی برجسته داشته‌اند و "تصور مسالیه‌ها" این رهبران را در رابطه با نگاه طبقه‌ای و ویژگی‌های سیاسی اجتماعات مورد تحلیل قرار داده‌اند و اینکه هر چند یکساز حقیقت امر به سوسیالیست‌ها "شخصیت‌های" جریان خرده بورژوازی ایران روشن‌تر می‌شود تنها با بدنه‌ها نشان دهند حقا نیت نظر کمونیستی‌های ایران باشد.

کارگران انقلابی و آگاه ایران در مسالیه سرقرضیه نیروهای سازشکاران و انحصار طلب حاکم با این جریان سوم منافع مشترک داشته‌اند از آن حمایت میکنند. کارگران ایران حرکت این جریان را بر علیه دوا بزرگ قدرت در این مسابقه وطن فروشی که مخصوص در میان سران حزب جمهوری در گرفته است مورد پیشبینی قرار می‌دهند. اما تنها بدنه‌ها نشان در صورتی جریانی سوم تنها در صورتی مینویسند در تلاشهای خود به موفقیت‌های واقعی دست یابند که دست از انحصار طلبی بردارند و در مسالیه سرقرضیه انحصار طلبان را آماده وحدت با نیروهای انقلابی سازند و اگر این جریانات خود را شکست

با ن یافت، ما تلوریا رزی از قد علم کردن این جریان سوم را در صحنه سیاست ایران شاهد بودیم. نمونه‌های دیگر حرکت این جریان در اعمال پارهای از زیرساخت و قضات تحقیق دادسراهای انقلاب در اوائل تشکیل اس دادگاهها و سایر طرح معروف به رضا صفها می‌در مورد تقسیم اراضی قبلا مورد بررسی قرار گرفته بود.

اما آنچه که در شرایط کنونی به این حرکت ویژگی می‌بخشد، این است که تلوریا جدید جریان سوم که با ردیگر ایران وجود میکنند این سازشکاران که از سخنان سخنوران جلسه‌ای که اشادند بررسی آید در اساس با مدب فاطمی نسبت به انحصار طلبی‌ها و ارتجاع گریه‌های حزب جمهوری اسلامی به میدان آمده است، در عین اینکه مراقب است تا در مقابل با حزب ارتجاعی در اردوی لیبرال‌ها و هم پیمانان نشان هم قرار نگیرد.

این جریان سوم چیزی نگروا گشت خرده سوزوزوازی ایران بر علیه حکامی که نمرات انقلابش را هر روز در زیر پای خود با در پیش میزهای منساق وحدت لگد مال میکنند، نیست، باشد. سرخوردگی و ستوه آمدنی که گامش با همین خصوصیات در محافل مختلف در سبب با ساداران بسج و بسیاری نهادهای دیگر نیز سرباز شده است و تفاسد خود را با دوقطب در قدرت هر روز آشکارتر میکنند.

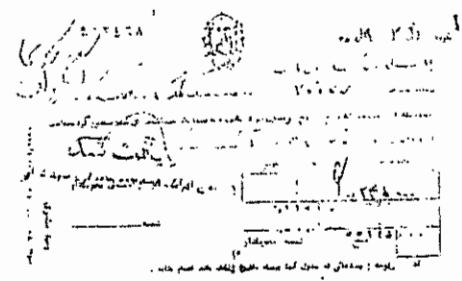
سرای طبقه کارگران سرخوردگی و خروش خرده سوزوزواها و ضد میریالیسم سرقرضیه نیروهای ارتجاعی و همچنین در همه سخنرانی‌ها سوسیالیست‌ها در مورد مسالیه راه سوم را به عنوان چاره، بین سیاست سیاسی کثرتی ارائه دادند و این راه را در طریقی سخنرانی‌ها نشان در نفی راه‌های جناح‌های مهم حاکمیت یعنی حزب جمهوری و لیبرال‌ها عرضه داشتند.

گزارش مختصری از فعالیت کارگران شرکت

فیروزا در رابطه با جنگ تحمیلی

سیح تماس بگیرند و برای اینکار رطوماری با مضمون اینکه ما خواستار آموزش نظامی و رفتن به جبهه برای جنگ علیه صدام و اربابان امپریالیست و هتیم نوشته میشود و شروع به جمع آوری امضاء در میان کارگران میگردد. استقبال کارگران بی نهایت زیاده است. بطوریکه از سرعت جمع شدن امضاها (هر چند محدود) شورا به وحشت افتاده و سعی میکند استکار عمل را بدست بگیرد. طوما را زد دست کارگران گرفته و آنرا ماطل کرده و خودیسه به کارگران هشدار داده و از آنها میخواهد که خودیسه را رگزینی مرا - حقه کنند و اسم بنویسند. نام نویسی و دادن مدارک تمام شد و ولی ارسیح خیری نشد. که در اینجا با فشار کارگران بالاخره سیح آمد و کلاس آن یک روز در میان دایروحتی ساعت آن از ساعت کار - خانه گرفته و سرویس و سایر اسکانات از جمله محل سرای کلاس و غیره تهیه شد. در این کلاسها بیشتر از نیمی از کارگران شرکت داشتند مسئله کمک مالی نیز همگام با سیح مطرح شد. در این مورد نیز شورا تن به کار نمیداد که کارگران دوساره تصمیم گرفتند خود دست بکار شوند طوماری با مضمون محکوم کردن رژیم بعثی و حامیان امپریالیستی اش تهیه و امضاء از کارگران قسمت جمع آوری شد طوما ربه قسمت دیگر برده شد که شورا حریان را فهمیده و فوری خود را به لیست رسانده و آنرا سه روز از کارگران گرفته و گفته این کارها بشماره ربطی ندارد و ما (شورا) مسئول این جریانها هستیم لذا لیست جدیدی از طرف شورا تهیه و به یکی از کارگران حامی آن (شورا) داده شده و او به جمع آوری میپردازد. بالاخره ما هم کارگران از کمک دریغ نوزید و همگی چند روز از حقوق خود را به شماره حساب جنگ زدگان واریز کردیم. کارگران نیز در خارج از کارخانه در کارهای پشت حبه، از جمع سیح، آموزش اسلحه سنگین در محل دوره کلاسهای کمک های اولیه و غیره فعالانسه شرکت جسته و خود دوساره ثابت کردند که در هر حرکتی بنفع انقلاب و میهن شان همیشه پیشرو و پیشقدم بوده و هستند. در رابطه با این موضوعات کارفرما که خیلی از دست کارگران دست اندر کار طومار ها و غیره ناراحت و خشمگین شده بود با یک سیاست و عمل ارتجاعی باعث گردید که یکی از کارگران را احراج و چند نفر را خاطر داده شود. این سیاست یک دعوی دروغ و بی اساس بین کارکنان احراجی و کارگر بیما نگاری سیش نمود که طرفداران شورا سبه پشتیبانی از شورا ایستی راجع آوری و خواست اخراج خراب کاران و یا به اصطلاح اخراج کاران کارخانه شده اند که حدود دو سوم کارگران آنرا امضاء و علیه کارگران قسمت دیگر جمع آوری کردند که همان نتیجه ای که گفتیم حاصل شد و تا امروزه ما برای تمام فعالیت بسته و امکان هر نوع فعالیت بی ادبی و وجه غیر مذهبی ممنوع و از این پس طرف ما شورا و مدیرعامل بود بلکه دو سوم کارگران بودند. ولی با همه این فشارها دوباره در روز ۱۳ آبان حرکاتی ارسوی کارگران به انجام رسید

سعد از ظهر آخرین روز ما مهر بود تعدادی از کارگران شرکت مهندسی فیروزا در قسمت شمال فرودگاه مهرآباد مشغول انجام یک پروژه بودند ما که این صدای انفجار را به ما که در چند کیلومتری فرودگاه بودیم گوش رسید کارگران همه به بیرون از کارخانه رفته سپس چند هواپیمای راکه در ارتفاع پائین در پرواز بوده اند دیده پس از چند لحظه دود آتش بلند شد. کارگران اکثر کارخانه ها بیرون آمده بودند و هر کدا منظری را بیان می کردند. گویا حقیقت این بود که امپریالیسم خونخوار آمریکایی توسط نوکرانش دست به توطئه جدیدی زده بود. و اینها هواپیمای روسی رژیم بعثی بودند که حمله به پایگاههای نظامی کرده اند در این تهاجم فانیستی تعدادی از کارگران و زحمتکشان مهرآباد و شهرک اکمانان و دکانهای اطراف محل که مشغول کار و فعالیت بوده اند به شهادت رسیدند. صحت از شماران سرود، نگارانی در میان کارگران فیروزا اوچ میگردد. از دو جهت یکی اوضاع کشور و انقلاب که هنوز معلوم نیست موردتهاجم خارجی واقع شده و یا کودتای در جریان است. دوم از این نظر که تعدادی از برادران همکاران مشغول انجام پروژه در مهرآباد بودند کارگران با لباس کار به خیابان می آیند و وعده ای قصد رفتن به مهرآباد میکنند در همین حال مدیرعامل با اتومبیلش سر می رسد و میگوید چرا بیرون ایستاده اید؟ سر وید سرکار بر رویه هیچ خبری نیست. ولی کسی کوش به حرف او نداده نا یکی از کارمندان می رسد و اطلاع میدهد که فرودگاه منفجر شد ولی بچه های ما کسی آسیب ندید. این اخبار ضدونقیض کارگران را بیشتر نگران میکرد. سوت کارخانه صدا در میآید مدیرعامل و شورا کارگران را جمع کرده و میگویند کارگران عزیز ما الان ما فرودگاه تماس گرفتیم فرودگاه را اسما را کرده اند ولی به کارگران ما صدمه ای سرسید شما سرکار ما سر وید و نگاران نناسید؟ چکسی با دیدن کارکنان ما شکر ما به داران؟ در همین موقع یکی از کارگران پیشنهاد میکند که جهت جلوگیری از این توطئه ها ما باید تمام کارگران را آموزش نظامی بدهند ولی در جواب آنها خواستار سرگشت کارگران به سرکار میشوند. این عمل و یا حادثه منجر شده بود که کارگران به کار با عمل پشت حبه ای را دار در شرکت کنند. در سیح آموزش نظامی، کمک مالی، پوشاک به مناطق جنگ، زده و غیره. در مورد هر یک از این کارها درگیری های زیادی ما شورا و مدیران صورت گرفته که یک به یک به آنها اشاره میکنیم. کارگران در رابطه با آموزش نظامی خواهان آوردن مرسی به کارخانه بودند ولی هر دفعه از طرف شورا بی جواب میمانند. در همین اوضاع پس از اینکه ارتش اعلام کرد منقضی ۶۶ ها خود را معرفی کنند سه اس کارگران و یک تن از کارمندان مشغول اس فاسون هستند. حالت اینکه به کارگر میزور هم اکنون در حبه هندولی کارمندی که خود را در رابطه با اس موضوع میدید و از هواداران حزب بوده بود. هم اکنون از خدمت براری بوده در شرکت نیز هم پندایش نمیشود. باری فشاری جهت آوردن آموزش نظامی به کارخانه از طریق شورا به جانی نرسید. عده ای از کارگران تصمیم میگیرند که مستقیما با یکی از سران آموزش نظامی



اخباری از گیلان

تصفیه دانش آموزان مبارز در لاهیجان

در روز ۵۹/۱۰/۱۸ اخراج کردند که با اعتراض وسیع سایر دانش آموزان روبرو شد.

۶ در دبیرستان مخصوصه متحدین، که مدیرش خواهر ابوالحسن کریمی - دادستان انقلاب!! گیلان - و خود یکی از فعالین "مکتب نرسی" می باشد، دست به تصفیه ۷ نفر که اکثرا هوادار محاهدین بوده - اند می زدند.

دانش آموزان مبارز در بی اخراج این عده که همگی پس از صدور بخشنامه ای توسط کریمی به مسئولین آموزش و پرورش این شهرستان مام گرفتند، در تمام مدارس دست به اعتراض زده و با نوشتن روزنامه های دیواری این عمل سی شرمانه را محکوم کردند.

در پی این ماجرا، در روز ۵۹/۱۰/۲۵، مسئول آموزش و پرورش به دبیرستان قیام آمد و برای دانش آموزان صحبت کرد. از سخنان ضد و نقیض این شخص که از عوام مسل حزب جمهوری است چنین بر می آید که تصفیه ادا می خواهد بود. وی گفته: "من میخواهم که از اخلاص!! دست بکشید... آن عده ای هم که تصفیه شده اند با پدر و مادرشان سیاستمدار آموزش و پرورش و اگر تصفیه دادند که از اخلاص دست بردارند، آنوقت دوباره میتوانند به مدرسه بیایند و گرنه سنا به صفحه در صفحه ۹۹

احیرا عواد مل - حزب جمهوری در لاهیجان، در ادامه فعالیت های خرابکارانه و ضد انقلابی خود دست به اخراج ۲۳ نفر از دانش آموزان مبارز دبیرستانهای دخترانه "قیام" و "محبوبه متحدین" (که حزب اللیپی ها نام آنرا به "توحید" تغییر داده اند) زده اند. اتهام این دانش آموزان مبارز، با اصطلاح "اخلال در مدارس آموزشی"!! می باشد. ۱۶ نفر از این دانش آموزان که هوادار محاهدین حلقی بودند از دبیرستان قیام

'پاسداران جنگل' یا پاسداران اختناق؟

سنا از مبارزات قهرمانانه کارگران چوکا و اخراج پاسداران در اول فروردین ۵۸، حدود ۷۰ نفر پاسدار بستوان "پاسداران جنگل" با حکم پرسنلی شرکت وارد کارخانه شدند تا مانع از قطع اشعار حکمی شوند. ولی در واقع سنا از مبارزات قهرمانانه کارگران چوکا و اخراج پاسداران در اول فروردین ۵۸، حدود ۷۰ نفر پاسدار بستوان "پاسداران جنگل" با حکم پرسنلی شرکت وارد کارخانه شدند تا مانع از قطع اشعار حکمی شوند. ولی در واقع

دعوی قدرت بر سر تصاحب مقامات در

کسارخانه ها

احیرا - در جریان جنگ - حزبی ها با فکر تصفیه کردن کامل قدرت در تمام سطوح برآمده اند و تا آنجا که تیغشان میبرد، برای زدن رقیب کوتاهی نورزیده اند. از جمله آقای انصاری - استانبندار گیلان - کارخانه ها - بی را که مدیر بستنان بهینی صدر و دسته او شایل دارند، در مضیقه قرار داده و بر سردان کا زوشیل و بیترین و با بر سر مواد اولیه کارکنی و اشکال تراشی مینماهند. از طرف دیگر، حزبی های دو آتش در کارخانه ها، سنا گیلان مخالف سر سخت مدیریت میگردند. همان کسا نیکنه تا چندی پیش مخالف سر سخت شورا و اتحادیه ها بودند و حتی در اخراج سنا - بستگان شورا نقش موثری داشتند، هم اکنون مخالف مدیریت شده اند.

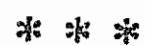
ولی تاکنون موفق به اجرای برنامها خود نشده اند. چرا که "مکتبی" های تازه دوران رسیده فاقد تخصص هستند و مهند - بین کارخانجات صاحب تخصص بیشتر از مدیریت فعلی دفاع می نمایند.



'تهدید کارگران آگاه'

در روز پنجشنبه ۱۰/۲۵ ۵۹/ در کارخانه کاشی سازی سرمیت واقع در شهر صنعتی (رشت)، سخنرانی ها - توسط مدیر عامل کارخانه و یکی از اعضای سابق شورا ایراد شد. مضمون سخنرانی ها تهدید کارگران آگاه و انقلابی بود. مدیر عامل در طی سخنرانی خود گفت:

اکنون مقداری از سهام این کارخانه ها و استه به دولت و مقداری هم به تعدادی از ما - همان "غیرطاعتی"!! باز مانده از قبیل تعلق دارد. تولید این کارخانه پس از انقلاب امزاش با فداست، وسعت است مصرف داخلی زیاد، اکنون تولیداتش بیش فروش میشود



مبارزات دهقانان گلپر علیه داداشی

فئوال بزرگ

به آئینا نداده و اسن حربان
همچنان ادامه دارد.
دهقانان مرفه در این
مبارزات همسایه است "سی
طربانه ای" را اتخاذ میکردند
که قبول خودشان "نه سح سوب
زدونه کتاب". که صرف نظرات
هموسی کم رنگ آنها با این
مبارزات خواهان سازش بین
دهقانان فقیر و مالکان میا
شد. آنها در اکثر موارد حقه در
حقیقت دهقانان در گذشته و هم
اکنون رهبری مبارزه را در دست
مگرفتند و مانند حلقه ای بین
دو طرف عمل میکردند. این
مسئله همچنین در تمام بروسه
مبارزات دهقانان "گلپر" و
بوجه مبارزی خود نمایی میکرد.

"هواداران اتحادیه کمونیست
های اسران" - آه



سدا زب آن و آنچه دهقانان
برای حفاظت ارده در مقابل
توطئه عوامل مالک به پاداری
می برداختند.
روزه شنبه محدود دهقانان
با نطور جمعی بدستارستان
شهر رفته تا از حقیقتی ها عبادت
کنند و همچنین حیدر ن شهید
را حویل بگیرند. ولی گویند
داداشی قبلا حقه و با خریدن
بیشترگان سدا رسان نامه ای
مبنی بر اینکه آن زن بعلت
سگته فلسی مرده است، خود را
بی گناه جلوه میدهد. در همین
راسته در شهر داداشی قاتل و
زمن بخوار توسط دهقانان و سه
کمک عده ای از مردم شهر
دستگیر و به دادگاه انقلاب
تحویل داده میشود. دهقانان
با تجمع در مقابل دادگاه
انقلاب خواهان محاکمه و اعدام
وی و معا دره گلپر زمینهای
داداشی خائن میگرددند. ولی
تاکنون دادگاه انقلاب حواسی

معا دره، زمینها و همچنین شو
طنه ها و سبدها داداشی ار
حقیقتی سر عدم دادن زمین
برای نصف کاری در کشت آینده
به دهقانان، مبارزات وسیع
تری را آغاز نمودند که حتی
به دو خوردن عوامل داداشی
و دهقانان در روز دوشنبه
۵۹/۱۰/۲۹ محرم میگردد. که در
سند مبارزات دهقانان به
چون کشیده میشود. ما چرا از این
مبارزات دهقانان زمین
در ادامه مبارزات حق طلبانه
شان در جهت گرفتن زمین برای
نصفه کاری سال آینده و ترس
مالک با توجه به زخمی کش
دهقانان با ضبط تمام محصول
در گذشته به وزده بودند و ترس
اراسته زمینها توسط دهقانان
معا دره کرده، در روز دوشنبه
با احیر کردن عده ای جدا
و عوامل سردور خود به سر و
شتم دهقانان برداشت که در
این گیر و دار سنگ زن زمینکن
شبهت و عده ای از دهقانان زخمی
گردیدند. دهقانان سلاطین
علیه داداشی به دادساری و
پاسگاه شکار بست نمودند. ولی
نه تنها در جهت دستگیری داداشی
و عوامل وی هیچ اقدامی
نشد بلکه جاس مالک را گرفته
اند. (لازم به تذکر است که
دادستان انقلاب آمل به نام
"فرجی آزاد" که یکی از عاملین
حرب ارتجاعی در روری اسلامی
مبارزات در تمام مبارزات
دهقانان به شکلهای مختلف
به حمایت از فئوالها سی
مانند مبارزاتها برداخته است.
نمونه هایی از این حمایت
از "کامیاسی" زمیندار سرور
رئیس "تار و آبا" و حمایت
از فئوالهای روستاهای
"داودکلا"، "هنبل" و "آهنگر
کلا" میباشد.) بهر حال

روستای "گلپر" ۲۱۹
خانوار که عمدتاً بی زمین و کم
زمین میباشد، در ۱۰ کیلومتری
آمل واقع میباشد. دهقانان
و حقیقت این روستا سالها
در از تحت ستم و بهره کشی
رحمانه، فئوالهای این
روستا سام برادران داداشی
که در حدود ۸۰۰ هکتار زمین
روغی را تحت سلطه خود دارد،
قرار گرفته و از طریق ستم
کاری امرار معاش میکنند.
صرف نظرات این فئوال زمین
که در دوران رژیم ارضی
امیرالیمتی و بعد از آن از
طریق ساندیازی غصب نموده،
مالک چندین هکتار باغ سر
کتاب، کارخانه های کوبی
و مسعلات دستگیری مانده.
همچنین از طریق ربا خواری،
چون زمینکنان بهرور و سوا
را اسل و ارمکده و به زندگی
انگلی خود ادامه میدهند.
در همین راستا مبارزات
دهقانان کم زمین و بی زمین
بر علیه ستم و جبا و لگری داداشی
و حول معا دره، زمینهای
آنها به اشکال مختلف بسرور
میکند. این روستا شان چند
بار از طریق ستم و شکایت
بر علیه مالک به دادساری و
هیئت ۷ نفره ارسال داشتند
ولی هیچ گام موثری در جهت
معا دره، زمینها ستم دهقانان
صورت نگرفت و شکایات محفل
مساب مسئول راجل این
مسئله طنز رفتند. تنها چند
بیش هنگام برداشت محصول
با فشار زیاد دهقانان به هیئت
۷ نفره، حکم ضبط کل محصول
(سوج) توسط دهقانان بی
زمین و کم زمین و عدم پرداخت
نصف محصول به داداشی به اجرا
درآمد. ولی بعلت عدم حمل
حواسته، اساسی شان ستمی

گزارشی از روستای سنگ بست - آمل

روستای سنگ بست در حدود ۱۱۰ خانوار است که ۳ خانوار از
آنها حدود ۷۵ هکتار زمین دارند. مالکین این زمینها نام های
"غلامرضا عبیدی" ولی الهولایی و تکرالهولایی میباشد که نفوذ
زیادی در انجمن اسلامی و سایر ارگانها دارند. دهقانان بی
زمین در حدود ۳۰ خانوار و کم زمین ۱۰ خانوار میباشد.
مالکین این زمینها همگی خود را - به ستم کاری و ستم
به بی زمینهای دهات اطراف میدادند. این امر بیشتر بخاطر
وخت و دلبره مالکین از دهقانان سنگ بست میباشد که ما دارو
زی زمینها را معا دره کنند. ۴۰ خانوار دهقانان بی زمین و کم
زمین حواهان گرفتن زمینها بصورت ستم کاری میشوند که با ستم
مشوهای زیاد مالکین این روستا به مخالفت می بردارند.
نماینده دهقانان چندین بار با مالکین تماس میگردد و
صحت میکنند که آخرین بار درگیری بین آنها بوجود آمده و اسادی
مالکین با کتک زدن نماینده و آسیب رساندن به دستگاها تناسلی
ایشان را روا به ستم رستان میکنند.
دهقانان نیز بطور دسته جمعی شهر میآیند و با شعار "مرگ بر
عبیدی" به دادسرای انقلاب اسلامی رفته و خواهان محارفات عبیدی و
سایر مالکین میگرددند. قرار شد از طرف دادستان سی معا دره، ی سه
آن ده نفر ستم و ستمکارها رسیدگی کنند.

پیام يك مادر

به اتحادیه کمونیستهای ایران

هستم که برای خودمان می - جنگیم و مزدور برای دیگری می جنگد و روزی میرسد که آزادی خلقها و آگاهای خلقها محلی برای وجود مزدوران باقی نمی گذارد .

اتحادیه کمونیستهای ایران راهی را طی میکند که رهائی همه خلقها را در پی داشته باشد سوده، منجم و مصمم همگام و نسل به نسل تا بیروزی تفنگش را به فرزندش می دهد و وارثان جنین خونها برای خستگی تفنگشان را به زمین نمی گذارند هیچ، بدوش هم نمی گزینند بلکه یکسره ضلیم میکنند و بی توقف به پیش میروند تا آزادی و استقلال و بیروزی.

از "ن" - هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران - کرج

که هنگام مادر این نبرد تحمیلی و بحق است و این تشخیص درست و موثقی صحیح از تو " اتحادیه کمونیستهای ایران " بود که ره نمودم دادی و امیدی که به آزادی از زیر بار ابر - قدرتهای آدمحور انسان نما به من دادی قدرت جنگیدنم داد . رفیقم ، همسنگرم

سعی کن وسیعی میکنم که از این نیت که نتیجه این تبا و زبید است و مزدورنه محق است و نه مومن و نه دیشتمانی ملتها و توده ها را دارد . در حالی که ما خود ملتها و توده ها

است که برای آنها جان می - نازید و بداند از حبه های جنگ حماسه استواری سان بگوش میرسد و بزودی همه ما سربازان خواهیم نشست .

رفقای خوبم دنبالان می آئیم که راه درست را بیاموزیم . دیدیم که می رویم ، کینه ها ، باروی هم می ریزیم و نشنگها - بمان را با هم تفسیم میکنیم ، این برای صدام ، این برای شاه حسین و این برای سادات و بگن و این برای نوکران آمریکا و سادگرها بر قدرتهای خون آثا می چون روسه یا چین و ... که دندان در کلسوی فرزندان ستم دیده ما ننگر و سرده اید و چون زالوا و چون خلقهای زیر ستم تغذیه میکنند کافی است .

رفیقانم ، همسنگرانم غم مرگ عزیزان تکه پاره شده و خاها و سرزمین و سران سده و کرسکی و دردمان را با هم تقسیم میکنم تا بتوانیم سر دوش بکشیم آخر ما توده ها شیم و میتوانیم هر باری را بسندوش کنیم . بدون شک هر سجن پرس به خاک افتاده ای میریادمی - زند : همسنگرم نگذار از پا بیفتیم ، زیر بار زوانم را بگیر که من هم زیر بار زوی دیگری را گرفته ام و با این همستگی زنجیر استعمار را به زنجیر اتحاد و بیروزی مبدل کنیم .

رفیقانم ، همسنگرانم از آنکه نشان کوچکو رفیقا نشان را دیده حسود می بالم که با نشان را هزار قسمت میکنم و قدرتمان را با هزاران رفیق روی هم میریزیم تفنگم را دوست دارم که ما می توده های ستم کشیده است و توده ها را بیشتر دوست دارم

پیام گرم و بیروزی را از یک مادر (رفیق "ن") دریافت کردم . از بنسبانی های معنوی این رفیق - سپاگزارم . در زبورتان نامه ایشان و شری از این رفیق را ملاحظه میکنید .

رفیقانم ، همسنگرانم شما که موضع به حق خود را در پیشتانی ارملت و توده های ما علیه جنگ تحمیلی صدام فورا بوسیله نشریه حقیقت ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران اعلام داشتید و شما که عملتان در شتافتن به سوی جبهه علیرغم هر گروه چپ نما و طاهربین پشتوانه تصمیمتان در همگامی با توده های ملت برای بدست آوردن حق

مصلحتان و سرکوبی نجان و زگران صدامی بود ، شما که نوکران آمریکا و هر طرفداری را فورا انگشت نما نموده و در مسار رهبا آنها اولین همگام ملت بودید ، خبرچانی و مپارات سر - سخنانه تان همراه مردم همه حساب بگوش محورد و ملت می سمد که اتحادیه کمونیستهای ایران علیرغم موضع گیری های گونا - گون گروه های دیگر همه جا همگام مردم مورد تاج و زقار - گرفته ، ما بوده و با چه روحیه و جانمازی چگونه ضربه ها - مزدوران مدامی وارد کرده و می کند .

دست بر آرد رفقا ، شهدایان رده با دو مدرت با روانسان همیشه سر ، رفقا طلبهای ما را با خود داشته باشید که بزودی بد شما ملحق خواهیم شد ، شما پیشتان ما پیدا کنید که تصمیمتان درست و راهتان راه ما و همه توده های

عمر اگر زیر ستم بنده صفت گردد سر مرگ بسرخ است بمیدان شرف اولی قرب

مرحبا دست مریزا در رفیقان عزیز
سنگدار بدسرا این راهزنان راه گریز
نامهای داشتیم از سنگر آبادان سود
نامهنده یک سندا ز همسایه پیمان بود
حسرت ز موحسا سه ز شلالش رفقا
سندیده ، جان بسنگن ملات
یک سه یک بین سطورش شهدا شنشسته
چون با شده بر آن خط و نشان ایسان
دوده و خاک چونان مهرت عهد سر آن
حرف جان سازی و اسار محمد و محمد
نا درو متحی و محمود رفیقسان شهید
ای سوبنده ، این با ما سگوباز سگر
از با با احمدی و سنگر و خون دادن او
بگوا ز حبه و شبهای پراز قصه آن
وان سروی که رفیقان همه خوانند سبخوان
بگوان را که همه مردم یکدل گفتند
بگوان گفته که بیگام مین اسدی
وقت شگ است و بخروجک ، رهی دیگر نیست
دشمن این گرگ تها و زگرایان هاراست
که کشته ذره ای از بهره ، ستم مرده دست
عمر اگر زیر ستم بنده صفت گردد سر
مرگ بسرخ است به میدان شرف اولی تر

شعر از "ن" یکی از هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران - کرج

بزرگ بود...

سفیدار صفحه ۴ -
 سب بودن میخواستند و سبیله -
 ای برای این معاملات و جلسبات
 رضایت سبگانه تبدیل کنند
 (همانطور در مورد جاسوسیهای
 آمریکائی کردند) تحریکات
 عوامل مغربیان آنها برای تحمیل
 عملیات تجاری بی حساب
 کتاب وزودرس در جبهه ها ، کسه
 در آدان تلفات ریجادی
 رابا عتگشت ، پرده دودی است
 که آنها در پس آن چهره های
 سازشکار و اهل معامله و مذاکره
 خود را میپوشانند و علاوه در عمل
 به سر خوردگی درون جبهه ها ،
 کدز مینه هرگونه سازش و معامله
 تسلیم طلبانه است ، دامنه
 میزنند .
 تنها راه حل عادلانه و
 سودا انقلاب هر دو کشور ایران
 و عراق در این جنگ راه حل
 جنگ علیه جنگ ، سبط و تقویت
 مقاومت مسلحانه سلب و در هم
 شکننننننننننننننننننننننننن
 بعثه توطئه گرانه پشت آن در
 همان رزمگاه های است که دشمن
 گشوده است . مهم بیست و بیست
 جنگ چند ماه و چند سال طول
 نکشد . اگر مردم متحد و استوار
 ایستادگی نشان دهند و تفرقه
 افکنان و تسلیم طلبان را در پشت
 جبهه ها سر جای خود بنشانند و بر
 روشهای دیوانسالارانه حاکم بر
 جبهه ها ، انحصار طلبی های
 ارسامی و اخلاقی سرجسی
 گروهک های با اصطلاح اسلامی
 دوا تشنه فاشی آینه و جهت توده -
 ای جنگ را گسترش دهند ، سر -
 انعام پیروزی از آن سا خواهد

بود . این توده های بزرگی سه
 اسر قدرت ها ، به آمریکا و نوکرا -
 نش خواهد بود ، آنها را از
 گستاخی شان پشیمان خواهد
 کرد ، به روحیه مقاومت و مسا -
 زه در برابر منطقتی ها من خواهد
 زد و خصوصا آنها را بندگان گسترش و پیر -
 زوی انقلاب در عراق را سرعت
 خواهد بخشید . پیروزی در چنین
 جنگی حراب و حمایت مردم را
 در سردا ضربت های امپریا -
 لیستی بالا خواهد برد ، نباید
 های جنش صدا میپربا لیستی
 را در کشور محکم خواهد کرد و از
 توسعه سر خوردگی در میان مردم
 و رکود انقلاب در کشور جلوگیری
 گرفت .
 راه حل مذاکره سیاسی
 یعنی سازش ، چاره تماس
 منقسم با معنی های تجار و رکاب
 پیش برده میشود و چاره ساز -
 نمیگردد و چاره با جلب مذاکره
 قدرتها صورت میپذیرد ، نه تنها
 دادن امتیازات نا حقی را که
 دشمن تجار و رکاب را با نشن
 در برابر خواهد داشت بلکه مقدسه
 فائل شدن منافع و امتیازات
 و حقوقی برای اسر قدرت ها و
 رژیم های ارتجاعی و دست نشا -
 نده منطقه خواهد بود . افرادی
 این سازش اسر قدرت ها و رژیم -
 های دست نشانده ، آنچه در
 منطقه هر کدام برای بهره بردا -
 ری از شرایط بحرانی کشور و
 نفوس سیاست تسلیم طلبانه
 حاکم بر دولت حراب و حمایت
 خواهند یافت و با امده اینکه
 اینها نیز با مقدار زیادی
 و ارتعابگری و اعمال رورس
 چیزی خواهند رسید سا ره های
 خود را بر ملت ما خواهند
 امزود . فردا با کسان ادعائی
 را در سلوچستان طرح خواهد
 کرد ؛ ترکیه مسئله ای را در مرز
 غابش خواهد کرد ؛ اما راب
 مسجده عربی حراب طرح ما -
 لکنت جزایر ما را در غلبه
 خواهد یافت ؛ و افغانستان دم
 از با اصطلاح دخالت ایران در این
 کشور خواهد زد و در پشت همه آنها

شیاطین جنوب و شمال یعنی
 آمریکا و شوروی نقشه های
 توطئه گرانه خود را در باره
 کشور ما کامدگانه اجرا گذا -
 رده و حتی دولت های امپریا -
 لیستی یا دنده را سا در مدد کص
 امتیازات گذشته و جدید خویش
 بر خواهند آمد . راه حل مذاکره
 و سازش راهی است که بر انجام
 آن یا اسنقرا و تحکیم یک رژیم
 ارتجاعی دست نشانده و سفاقت
 فاشیستی در کشور ما خواهد بود
 و با کشور ما را تکه پاره خواهد
 کرد و همان قصابی دوره مشروطه
 یعنی تحزیه و پراکنندگی سیاسی
 و تشکیل مناطق نفوذ را در بگر
 تکرار خواهد شد . عمق راه حل
 خیانتکارانه ای را که ما میان
 راه حل مذاکره و سازش میبینما -
 پیدا زمین حاصلتوان مشاهده
 کرد . این هشدار است که
 مردم ایران و سا انقلابیون و
 همه میهن پرستان کشور ما
 ما به جنگجویان دلیری
 کدا مرز در صحنه سرد جنگ
 طلبانه در غرب و جنوب کشور را
 استقلال کشور را و شرف و حیثیت
 ملت خویش دفاع میکنند ،
 تا کبد میکنیم که در سرگرمی های
 خود محکم با بیست و نوزده گزشتن به
 راه حل های سازشکارانه ای که
 در حلقه معاملاتی بی رگ و غیرت
 تهران مورد بحث و بررسی قرار
 میگردد ، ندهد . که امروز
 نجات ملتی در دست شماست .
 سرنگونی با آنها بی کسه راه
 تسلیم در برابر اسر قدرت ها را
 در پیش میگیرند و قدم مذاکره
 و معامله دارند !
 ما نیک اطلاع داریم که
 سیاست تسلیم طلبانه و خفت بار
 دولت در قضیه گروگان های
 جاسوس چه تا شیر مسمی و حراب
 کشته ای در روحیه رزمندگان
 جبهه ها اعمال سازد و سرباز
 و سحی و اطلب گزاره است و
 سا چه حد آن را در باره بحولات
 سربمی که تحت لوای مکتسب و
 کذا در سمت سازش با قدرت های
 که ما هم اکنون در حال جنگ با
 آنها هستیم رخ میدهد ، بگسران

گردانیده . طبعاً ما ز شها شی
 که در پشت جبهه ها و از فرا ز دریای
 خون شهدا با ما ملان این جنگ
 تجا و زکارانه صورت میگیرد ،
 نمیتوانند در دل رزمندگان
 جبهه ها دارای چنین تاثیراتی
 نما شود به ایمان و حماسه نشان
 ضربه نکند . این سازشها
 سمنزله خنجرهای زهر آگینی
 است که از پشت سر مردم در حال
 جنگ ما وارد میشود . اینست که
 در میان توده « جنگجویان در
 جبهه ها خصوصا در میان آنها شی
 که از راه اعتقاد به یک آرمان
 مذهبی و توهم نسبت به دعای
 با اصطلاح مکتبی دولت گذاشتی
 سببترین رشادت ها را از خود
 نشان میدهد ؛ اکنون بسک
 حالت سر خوردگی ظاهر میشود
 در باره آینده این جنگ ،
 در باره ریختن این همه خونهای
 پاک ، که با این سبب می -
 تواند لگدمال گردد و به وثیقه -
 ای برای معاملات و سازشهای
 بین المللی سا دشمنان نشان
 تبدیل شود ، دجا رتدید و سوز -
 لزل شوند .
 لیکن با این حال ما به
 آنها میگوئیم که : مقاومت
 قهرمانانه شما بخاطر ایسن
 دولت و دستگا و وفلان دسته بود
 حو و متقلب در تهران نمیباشد ،
 بلکه بخاطر آزادی و استقلال
 این کشور و سکردن راه نفوذ
 و سلطه گری اسر قدرت ها است .
 مقاومت شما ، ایستادگی گردا -
 نه شما در سنگرها و محکم بدست
 گرفتن سلاح هایتان ، بزرگ -
 ترین پشتیبانهای است که مردم
 ایران میتوانند با تکیه بر آن
 در برابر موج سازش و تسلیم طلبی
 در کشور ما مقاومت کنند و ایسن
 موج را در هم شکنند . باید متخذ
 بشوید ، به نیروی اتحاد خودتان
 و به پشتیبانی مردم تگاء کنید
 و هرگونه سخنه سازش و تسلیم را
 محکوم گردانید . که تا شما متحد
 با شید و با استادگی کنید و تن به
 راه حل های سازشکارانه تهران
 نشان سدهید ، دا رودسته های
 بقمه در صفحه ۹

سیاحت و تفریح ...

سخیه از صفحه اول -
 در سال گذشته نیز بخش مهمی از مبارزات کارگران بود و وظیفه آن شوراهاست متعذری دستخوش نشیروا گشتند. در پیروسی این مبارزه شوراها زیاد با بد خود را از دست دادند و با حتمی سرنگون شدند و در برخی دیگر از کارخانجات از درون این مبارزه شوراها جدیدی بوجود آمد و با تحکیم گشت. بنسوان مثال " آنها دید شوراها های کارگری گیلان " در سال گذشته از پیروسی این مبارزه بیسرون آمد که مرکب از بیش از ۳۰ تنورای کارگری در سطح گیلان میشود. با توجه به این نکته از هم اکنون میتوان پیش بینی نمود که شدت و ضعف این مبارزه هر چه باشد شوراها کارگری از تا شیرات آن بی سبب نخواهند ماند و از درون این مبارزات میتوان شدت قدرتمند تر و با ضعیف تر بیرون آید. از این رو کارگران پیشرو و شوراها کارگری در برخورد به این مسئله و انتخاب تا کنیک در پیشبرد مبارزه با بیستی بسیار رهوشیا را نه عمیل کرده تا بتوانند کارگران راه چه متحد تر و تشکیلات آنها را مستحکم تر از درون این مبارزه بیرون آورند.

مسئله سودویزه اما صال ویژگیهای خاص خود را دارد. در سال گذشته اگرچه دولت، با تدوین آئین نامه ها و بخشنامه ها میخواست ست سودویزه را نبردازد، اما بهر حال در مقابل یک حرکت عمومی معیوبه برداخت میلیتی

بنسوان سودویزه در اکثر کارخانه ها شد. اما اما سال مدتی قبل از فرارسیدن موعد برداخت سودویزه یعنی در تا ریسیخ نخست مرداد ماه اما صال قانونی از تعویب " شورای انقلاب " گذشت که بر طبق آن مجموع سودویزه ریاداش وعیدی کارگران به دو ماه اما صال عتسوق تقلیل یافت. در نتیجه دریا. بیان سال کارگران در مقابل این " استدلال " دولت قرار میگرفتند که چندین ماه است قانونی به تعویب رسیسد و مجلس هم که هنوز آنرا تغییر نداد و وجهه با بد به آن گسردن بگذارند چرا که بقول خودشان تصمیم خلق الساعه ای نیست. همان زمان که این قانون تصویب شد اعتراضاتی صورت گرفت اما از آنجا که مبارزات کارگران با هنوز تا مع جزو مد خود بخودی خودش میباشند از طرف دیگر این مبارزه نیز فطری است هنوز موعد سودویزه فرا نرسیده بود و کارگران نسبت به آن حساسیتی نشان نمیدادند. بهر حال حرکت نیمه کاره کارگران چایی و برخی اعتراضات کنترل شده از طرف حزب جمهوری (سه) آن بیشتر خواه هم برداخت) اعتراضی از طرف کارگران صورت نگرفت. اما از همان زمان برخلاف سرری نقطه نظرسررات انحرافی چپ نمایان منی سر اینکه جنبش کارگری هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه اقتصادی با سر شده است و در نتیجه به حذف سودویزه اهریتی نمیدهند. روشن بود که مبارزه کارگران در معد مقرر و با رو بر شدن عملی با این مسئله شروع خواهد شد. و امروز طلبه این مبارزه که ساختار جنگ و اوضاع سیاسی و اقتصادی موجود بحث های سیاسی متعددی را به پیش میکشاند. هم اکنون مشهود گردیده است. کارخانجات متعددی چون دخت نبات، پاکسان، لیلانسد، ری اوواک، کانا دارای ... شاهدمبارزه کارگران در این

زمینه بوده و در اکثر کارخانجات دیگر نیز اگر شورش است این شوراها بر سر این مسئله از طرف کارگران زیر فشار قرار گرفته اند و اگر شورش در کار نیست این بحث در میان کارگران در جریان است.

بدین ترتیب از یک طرف کارگران در مبارزه ای بسزای گرفتن سودویزه خود را زنده اند و از طرف دیگر دولت چنین تصمیم گرفته که بهیچوجه سودویزه برداخت نگرد و با لظسج در چنین راهی صرفا دلایلش و انگایش به قانون معویه مرداد ماه سال جاری نبوده و مسائلی زا چون جنگ و اوضاع سیاسی و اقتصادی هر چه پیش میگردد. بنسوان مثال وزیر کار جدید جناب محمد میر صادقی که قبلا مسئول شرکت های مصا دره شده در بنیاد مستضعفین بوده است، در جلسه ای بتاريخ ۱۲ دی ماه با شرکت بیش از ۸۰ تنورای کارگری در مسجد صاحب الزمان رسما اعلام کرد: " در مورد سودویزه دو مسئله وجود دارد. اول این که دولت مواخبا مشکلات مالی است و دوم اینکه طرح مذکور قبلا تصویب شده است. من قول نمی دهم به آنچه که میخواهد برسد زیرا اگر طرحی دیگر هم اما صال برای سودویزه تدوین گسردند نمیتوانند بطور عمادانه اجرا شود و به سال آینده موکول خواهد شد. بهر حال سودویزه هم سال دو ماه است و احتیالا یک تغییر کوچکی که زیاجشمگیر نیست در آن داده خواهد شد. " همانطور که ملاحظه میکنید جناب وزیر کار آب پاکی را روی دست همه ریخت و گفت اما صال از سودویزه غسردن نیست. البته آن " تغییر کوچکی که زیاجشمگیر نیست " را نیز بسدا چنین شرح داد که به سه مقدار ۱۰٪ دو ماه حقوق کارگر بمبلغ سونافا نه گردد اما ۵٪ آن مستقیما به حساب جنگ زدگان برود و ۵٪ دیگر نیز به حساب تمام و نی های مادر که البته تحت کنترل خودشان است ریختند

شرد. البته آقایان حج اسلام نیز رسالت " توضیح " بیشتر در این زمینه را بعهده گرفته و با شرکت در جلسات عمومی در کارخانجات مختلف سعی دارند این خط را در میان کارگران تبلیغ کنند. مثلا حجت الاسلام دری ضابطه چپا رسد اما صال بختیاری و عضو کنسیون کار و آسورا جماعتی در سخنرانی های مختلفی در کارخانجات شرکت کرده تا توضیحاتی در مورد سودویزه بدهد و در نما مسخراتی های خود گفته است که سودویزه مانع و اما متوله ای غیر اسلامی است و کارگران با سستی با اندازه خودشان حرف رند و حق مطالبه کنند. و آقای شجونی که ایضا ضابطه بنده مجلس شورای اسلامی است در یک سخنرانی در کارخانه پیشروش مزخرفات مفا بهی را تحویل کارگران میدهد و از کارگران میخواهد که با عدم درخواست سودویزه " روحانیت " را در قدرت تحکیم کنند و سخنرانی های امام جمعه تهران هم در مورد اعتصاب و تحمن جسانی خود دارد. این نمونه ها ذکر شد تا دقیقتا روشن شود بر چه میناشی میگوئیم دولت تصمیم گرفته سودویزه کارگران را اما صال نبردازد و در این راه مسئله قانون و جنگ و روحانیت و غیرا سلامی بودن ... را پیش میکشد.

در چنین شرایطی است که برخورد کارگران پیشرو به این مسئله جایگاه ویژه ای کسب می کند و با یستی کاملا روشن نسبت به مجموعه این قضا با حرکت گسردن و شایفه، مرکزی کارگران آگاه و پیشرو پرورش سیاسی کارگران و فعال نمودن آنها در مورد مسائل اساسی جامعه می باشد. این پرورش و فعال نیست بتدریج خود را در تشکیلاتهای کارگری جلوه گرمینا زد. این تشکیلاتهای کارگری زمان میبست و با شدا قابل دوام باشد که کارگران آگاه در مورد مسائل جامعه و آگاه از لزوم تشکل خود

سوئد ویژه . . .

نصیبه از مردم ۱۰۰ —

از آن بشتبانی نما بیستدر نسخه همواره مبارزات کارگران با سوسی در سمر مبارزات سوسی حاکمه حرکت که ده و با سوسی سلیبی کرد. آنها وظایف عمومی و عام سیاسی مادرپرورش سیاسی طبقه سیاسی اند. اما برای به انجام در آوردن این وظیفه صرفا نمیتوان این کلمات را بزبان آورد. اولاً مبارزات سیاسی کارگران را در زمینه های مسائل اساسی حاکمه سوسی آگاهان را به دادن رد و نشانیا مبارزات افشامدی آنان را با بسی ارجالت خود بخودی در آورده و با مسائل سیاسی مورد بحث تلفیق داده و مستعارت دیگر از چپا رچوب تنگ خود سیر و نشان آورده و آنرا در ستر مبارزه عمومی مردم فرار داد. در نتیجه در سر خوردنه مسئله بود ویژه هدف ما نمابستی صرفا گرفتند سودویزه ما ندلسکه در کنار رهبری این مبارزه برای گسترش سودویزه ما سستی آنرا به یک مبارزه سیاسی ارتفاسا' دهیم. مسائل اساسی حاکمه که در اسجا آن صحبت میشود از طبعی مبارزه انحصادی آنها اناره میگردد و به منظور مداد و در نشریه "حقیقت" منعکس است، همانا مسئله جنگ تحا و ز کارانه معنیها بر طبق نقشه آمریکا بر طبقه انقلاب و سپس با و در رابطه با آن حزب جمهوری اسلامی بعنوان ارجاع سوسی که در همه ر سبه ها حرکت انقلاب را سد کرد، و به امیرسا

لسمیاری میرساند، میباشد. با در نظر گرفتن این نکات سه مسائلی که در این مورد مطرح است سیردازیم.

احده مسلم است کارگران سودویزه سالانه را حرتی ارمطالسات خود با سسه و در صددهیج گونه اخصاص و چشم پوشی از این حقوق نیستند. سودویزه بخشی از دستمزد کارگران است که سه این طریق برداخت میگردد و تا زمانی که دستمزد کارگران و جگونیگی افزایش آن مشخص نگشته است این سودویزه ساسنی برداخت گردد (رجوع کنید مقاله سودویزه "حقیقت" شماره ۱۰۰). و بهمن دلیل هم استدلالی چون قانونی بودن و اسلامی نبودن و امثالهم هیچ کدام به گوش کارگران نمیروند. و همچنین گرفتن سودویزه سنی نوا دستلرم شرطی چون چنددر صد برای جنگ زدگان و چند درصد برای تعاونی آنطور که وزیر کار مطرح میکنند باشد. ریسرا دستمزد تعیین شده برای کارگران که سودویزه نیز بخشی از آن است در حال کاری که کارگران انجام میدهند در چپا رچوب وضع فعلی مشخص شده و با بستنی برداخت گردد. اینکه کارگر با این مبلغ برداختی چکار می کنند مستقیما بستگی به خود او و آگاهی سیاسی او دارند. از اینرو علیرغم اینکه ما بطور مداوم مسئله جنگ و لزوم کمک کارگران به جنبه (البته مستقیما از طریق نمایندگان خودشان) را در میان کارگران تبلیغ میکنیم و آگاهی آنان را بسبب به این مسائل ابر سن داده و شرکت آنها در جنبه و کمک های آنان در پشت حبه را در حاکمه منعکس و تبلیغ میکنیم. شرط فوق الذکر از طرف وزیر کار و عمودولتیا را برای کارگران بعنوان یک خدع افشاء میکنیم. کارگران را بحفظ موضع صحیح خود در مقابل حگ به این مبارزه دست میرساند.

اما این مبارزه را چگونه

با مسائل سیاسی تلفیق دهیم؛ " شورای انقلاب " بود، چرا که در آن موقع هنوز وضعیت کاسینه مشخص نشده بود و حزب کوشش میکرد با نشان دادن مخالفت خود با سنی مدر و نفوذ نسبی او در روزا رتخانه ها در آن زمان زمینهای برای کسب قدرت بیشتر برای خود وجود آورد و همچنین وجهی برای برای تشکیل تتهای آبرویخته، خود سفرد. بخصوص که در آن زمان هنوز زمینها برای برای حرکت اعتراضی کارگران در این مورد وجود نداشت (بدلیل فصلی بودن مبارزه کارگران بر سر سودویزه) و کنترل این گونه حرکات برای حزب بسیار ساده بود. در نتیجه این مبارزات در آن زمان از ستر نرونده سرتخاسته و بلکه نمایشات حزب در مقابل سوسی صدر بود. البته ار همان زمان نیز این سکتوروشن سود که اینها همه هیا هواست. زیرا رهبران حزب کذاشی در " شورای انقلاب" حضور داشتند و ممو سه کذاشی مورد تاشیده همه آنها بود. اما امروز وضع چگونه است؟ آیا مبارزات کنوسی کارگران بر سر سودویزه سنا سرباست حزب جمهوری میباشد؟ با توضیحاتی که در استدای این نوشته آمد و سر خوردوزیر کار جدید و سرخسی نما بیندگان مجلس شورای اسلامی ذکر شد جواب این سئوال روشن است. مبارزات کنوسی برخلاف حرکات فوق الذکر از طرف حزب جمهوری اولاً مبارزه عینی بوده کارگر بوده و نشانیا بخش عمده این مبارزه مستقیما در مقابل حزب جمهوری قرار گرفته است. میگوئیم بحث عمده زیرا بخشی از این مبارزه در حریان است.

امروز این حزب جمهوری اسلامی است که خود را در کاسینه و دولت تحکیم کرده است. این تاحدی است که " شورای نگهبان" اعلامیه میدهد و رسا اعلام میکنند که حتی مشاوران رئیس جمهور حق اظهار نظر و دخالت در امور سنی صدر (در آن زمان رئیس

سوئدویژه ...

بقیه از صفحه ۱۹ —
وزارتخانه‌ها را نداشته‌ها را پس
کار را غیر قانونی اعلام میکند.
اگر در گذشته برخی از کارها
خانجات هیئت مدیره هائی سرسر
کار بودند که اصملا از لیبرال
لها و هواداران بنی صدر بودند.
امروزه با قدرت گرفتن حزب در
دولت این هیئت مدیره‌ها سر
کنار شده‌اند و نمونه‌های آنرا
میتوان کارخانه مینو و گروه
صنعتی ملی ذکر نمود و برخی
دیگر از کارخانجات نیز درگیری
برای برکنار کردن آنها ادامه
دارد. بدین ترتیب اگر قبول
کنیم در صدد بزرگی از کارخانجات
و دیگر موسسات تولیدی و خدماتی
دولت و ارکانهای تابعه
آن و بنیادهای مختلف تعلق
دارد، این مبارزه توده عظیمی
از کارگران را در روی دولت
قرار خواهد داد. ارتباط این
دولت نیز با حزب کدائی مشخص
است. دولت حزبی حرف آخرش
را در رابطه با سودویژه زده‌است،
نمایندگان حزبی مجلس در این
مورد صحبت کرده‌اند، رادیو
تلویزیون از طریق برنامه
کارگر بطور مرتب بر سر سودویژه
و لزوم خودداری کارگران از
مطالبه آن صحبت میکنند و مبارزه
کارگران را بعنوان اغتشاش
گروه‌های "اخلالگر" و لیبرال
لها معرفی میکنند. البته همین
جایبستی تذکره‌ها دلبرالها
شی که در هیئت مدیره برخی کار
خانجات نفوذ دارند برای مقابله
با حزب در مورد سودویژه خود را
با کارگران همراه نشان می

دهند. بعنوان مثال هم اکنون
که ما در تاشید مبارزه کارگران
برای گرفتن سودویژه قلم می
زنیم، کارخانجات تحت نفوذ
ایشان چون مالی بل، شیشه
و گاز قوئل سه ماهه و نیم سودویژه
را به کارگران داده‌اند که بخشی
از آن نیز پرداخت گشته‌است و
یا هیئت مدیره سابق گروه
صنعتی ملی یکی از دلایل سر
کناری خود را "پرداخت سود
ویژه به کارگران در سال گذشته"
ذکر میکنند (میزان - ۳۰ دی)
نمونه دیگر بختون سازی و جر
ثقیل بانک است که اخبار هیئت
مدیره در مقابل هر نوع خواسته
رفاهیه کارگران روی غشوش
نشان میدهد و حتی در ساعات
ورزش با کارگران به تمرین
والیبال میبرد از دتا بلکه در
مبارزه قریب الوقوع خودیسا
حزبی‌ها موقع برکناری از
هیئت مدیره پشتوانه کارگری
داشته‌باشد. آری این نمونه
ها وجود دارد اما کارکناری
است و مبارزات جاری کارگران
در مورد سودویژه علیرغم تاشید
ضمنی لیبرالها بهیچوجه زیر
رهبری آنها نبوده و یک حرکت
از طرف خود توده مبارز کار
گران در این مبارزه مشخص
بطور عینی در مقابل حزب
جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند.
آشکارا می بینیم که این
مبارزه با مسائل سیاسی جامعه
میتواند تلفیق گردد، اولاً با
بستی که کارگران بر روی مسئله
جنگ در میان کارگران تبلیغ
صورت گیرد و لزوم حفظ موضع
صحیح خودشان در مقابل جنگ
را در مبارزه کثونی شان توضیح
دهیم و ثانیاً مبارزه اقتصادی
را که در مقابل دولت و حزب
حاکم دارند تا سطح یک مبارزه
سیاسی ارتقاء دهیم. حزب
جمهوری سدهمه در مقابل
استقلال و دموکراسی است.
حزب جمهوری یک جریان ماهیتا
ارتجاعی است. وظیفه امروز
ما طرفین داوودسته ارتجاعی
از قدرت است. و هدف مرکز

مبارزه کارگران بر سر سودویژه
نیز همین حزب است، آن نیرو
شی که میخواهد بخشی از دستمزد
کارگران را بالا بکشد و جنگ
را بهانه میکند، دقیقاً همان
نیرویی است که در جنگ میهنی
ما سنگ اندازی و اخلال میکند،
دقیقاً همان نیرویی است که بر
سر مسئله گروگانها با امپریا
لیسم آمریکا به سازش می‌نشیند،
همان نیرویی است که از صلح
شدن مردم خوزستان در مقابل
بعثی‌ها جلوگیری میکند، همان
نیرویی است که شعار "نه شرقی،
نه غربی" را به شعار "هم
شرقی، هم غربی" تبدیل کرده
است، همان نیرویی است که
هرگونه آزادی را در سطح جامعه
سزکوب کرده و نیروهای چماق
دار بسیج کرده و برآه انداخته
است، همان نیرویی است که
از طریق انجمن‌های اسلامی در
کارخانجات محیط اختناق و
خفقا اینجا دگر کرده و تحت عنوان
"مکتب" حاکمیت خود را قالب
میکند. و در واقع در این مبار
زه آشکارا می‌کارگران به تمام
این مسائل با بستی افزایش
بیدار کنند.
دولت در مقابل این
مبارزه کارگران "استدلالات"
مختلف و در واقع مستحک هائی
خواهد آورد و کارگران آگاه و
شوراها با بستی در مقابل این
دسیسه‌ها هوشیار باشند.
"استدلال" اول همان جنگ
است. این تنها بهانه ایست
از طرف دولت برای "بسال
کشیدن پول کارگران، اگر
واقعا جنگ برای این دولت
مسئله است چرا اینهمه در آن کار
شکنی کرده‌است؟ چرا زمانی
که ۷۰ تریلی و کار میسون از
طرف "شرکت تعاونی رانند
گان" به وزارت راه و ترابری
پیشنهاد ترخیص گمرک خر مشسر
را کردند و صورت قطاری بطرف
جنوب حرکت درآمدند، دولت
از انجا ما اینکار جلوگیری کرده
و آنها را با جاهای دیگر فرستاد
و در عمل باعث شد که لاهسا در آن

گمرک بمانند و توسط عراقی‌ها
غارت شوند؟ چرا زمانی که چند
دستگاه از این کارمندان در محنه
شیردیزری خیابان آزادی میروند
دولت حتی یک قران بیمه جنگی
به آنها نداد؟ اگر دولت دلش
بحال جنگ زدگان سوخته بود
چرا در سطوح مختلف اینهمه بی
احترامی و توهین به این آوا
رگان جنگ زده روا داشتند؟ و از
همه مهمتر چرا بدنیال سازش با
دشمنان ما است؟ "استدلال"
دوم تورم و گرانی است. دولت
وقیحا نه میگوید "یکی از دلایل
گرانی و تورم افزایش دستمزد
کارگران است در صورتیکه سطح
تولید تغییر نکرده است".
(جمهوری اسلامی - ۲۸ دی) و
در نتیجه امروز نیز بستی به
کارگران سودویژه پرداخت
شود. آیا این استدلال صحیح
است؟ آیا افزایش نرخ سیگار
بطور رسمی به دو برابر و غیر
رسمی به چهار برابر یا ضر
افزایش دستمزد کارگران
دخانیات بوده یا حرص و ولع
محتکرین و دلالت‌های دست‌اندر
دست دولت و حزب حاکم؟ ...
"استدلال" سوم اینست که کار
خانجات دولتی شده‌بوده‌هی
نداشته‌اند. اولاً که این مسئله
عمومیت نداشته و کارخانجات
زیادی چون جامکو، پرونیل
نیمه سبک، هوست و ... هم
اکنون روشن است که سوددهی
داشته‌اند. ثانیاً در کارخانجات
دیگر نیز با بستی دید که چگونه
میتوان امر صرفه جویی را مرا
عات کرد زیرا خزانه دولت مثل
آبگشی میماند که همه سوراخها
پیش بیک اندازه نیست و گشاد
و تنگ دارد. وقتی قرار است
برای کارگر پول بیا سده از
سوراخ تنگش میاید و سودش را
نیز قطع میکنند. ولی وقتی
برای مدیران دولتی میاید تا
هر ماه حدود ۴۰ هزار تومان حقوق
از سوراخ گشاد این آکس سیر
میاید. ثالثاً برای اینکه توان
مسئله سوددهی و زیان دهی کار
بقیه در صفحه ۱۴

سود ویژه ...

نتیجه از صفحه ۹۴ —
 خانات را بررسی کرد با یستی
 کمیته‌ای از نمایندگان کارگران
 برای اینکار ما سور شوند
 و کارگران هر کارخانه دخل و
 خرج کارخانه را زیر نظر خود
 داشته باشند. " استدلال چهارم
 مسئله تحریم امصادی و لزوم
 تحمل و بردباری از طرف کارگران
 خواهد بود. این درست
 که در انقلاب با یستی متصل
 سختی‌ها و ناهنجاری‌های زیادی
 شد تا با استقلال رسید. اما آیا
 ما کارگران چنین می‌کنیم؟
 چرا. اتفاقا ما فشارهای زیادی
 را تحمل می‌کنیم و تاریخ همین
 انقلاب شاهدحاشائی‌ها و
 نقش ما در مبارزات برعلیه
 استبداد و استعمار بوده است.
 اما با همه اینها ما یک سؤال
 داریم. چرا همه فشارها با یستی
 سرگرده ما وارد شود؟ چرا نباید
 تحت هیچ شرایطی از درآمدرس
 ما بیداران و دلالان و محتکرین و
 ابواب جمعی آنها کم شود و هر
 مسئله‌ای که پیش می‌آید این
 چندرتا حقوق ما با یستی مورد
 تعرض قرار گیرد زیرا این دولت
 نه تنها قادر به کوبه کردن دست
 دلالان و محتکرین نیست بلکه خود
 سوابد سیاسی آنها نیست. از
 بکطرف دست آنها را در عمارت
 مردم می‌گذارد و از طرف دیگر
 ما را به تحمل ضرورده‌ساری
 دعوت می‌کند و ما سخا نشان
 نیز بر علیه محتکرین هیا هوشی
 بیش نیست.
 بخش خصوصی نیز تسلما در
 پرداخت سود ویژه مقاومت خواهد

کرد و نظیر دولت، این بخش
 نیز اوضاع نابسا با اقتصاد
 و کمبودگرانی مواد اولیه و
 بیانه ضروریان را به پیش
 خواهد کشید. در این بخش
 معمولا کارگران خود دخل و خرج
 کارخانه را به تنه‌ها می‌دهند
 و در نتیجه با مشخص کردن تقریبی
 یسی میزان بهره‌دهی کارخانه
 مشت کارفرما را میتوان باز
 نمود.
 بدین ترتیب ما در این
 مبارزه بغیر از مسئله سود ویژه
 اهداف دیگری نیز داریم که سه
 بطور خلاصه عبارتند از: اول تحکیم
 وحدت و یکپارچگی کارگران
 ثانیاً تحکیم سازمانها، شوراها
 و ارگانهای کارگری بعنوان
 ارگانهای که می‌بایستی
 مستقیما در مسائل جامعه وارد
 شده و در حرکت کلی جامعه نقش
 داشته باشند. ثالثاً افشای
 حزب جمهوری اسلامی برای کارگران
 و نشان دادن کارشکنی
 های این نیروی ارتجاعی
 در مبارزه توده مردم برای
 کسب استقلال و آزادی و ارتباط
 این عمل با سرکوبی که مستقیما
 نیروهای منتصب به این حزب
 در مقابل کارگران انجام
 میدهند. رابعاً، تسلیم
 وسیع این حرکت کارگران در
 کل جامعه نشان دادن نقش
 طبقه کارگر در مبارزات عمومی
 جاری در جامعه.
 در اینجا این سؤال مطرح
 میشود که حدسگهداری ما در این
 مبارزه چیست؟ آیا اگر در
 پرومدا این مبارزه کارگران
 دست به اعتصاب بزنند، ایسکار
 از نظر ما صحیح است. در رابطه
 با این مسئله باید گفت طبقه
 کارگر برای احقاق حقوق مسلم
 خود و برای دفاع از سانسف
 مشخص خود با حق را دارد که از
 فروش نیروی کارش که تنها
 وسیله معاش اوست، در شرایطی
 که زور میشود و حق کشتی می‌بیند،
 سر باز زند. اعتصاب و اعتراض
 کارگران همانند فریاد است که
 از گلوئی مظلوسی در مقابل ظلم

و بیدادیکه بر او میکنند بیرون
 می‌آید. روی این اصل تحت
 هیچ شرایط و با هیچ عذرو بیانه
 نه‌ای نمیتوان اعتبارات
 کارگری را بطور کلی ناصحیح
 و غلط قلمداد کرد. هر اعتصاب
 در آنرو وجود ظلم و حق کشتی خاصی
 وقوع می‌پیوندد و همچنین
 هر اعتصاب و اعتراض بخشی از
 طبقه کارگر را در درونی بخشی
 از طبقات استنما رگر قرار می
 دهد که نقش آنها در دولت وسای
 ستهایشان برای اوضاع اقتصاد
 و همچنین وضع عمومی جامعه
 میتواند ارزیابی مشخصی را
 بطلبد. ما سعی می‌کنیم با
 سنجیدن شرایط حال که جنگ
 تحمیلی مشخصه مبارزات است در
 جهت تحکیم اصولی جنبه خلق
 حرکت کنیم. اولاً که حزب
 جمهوری یک نیروی ارتجاعی
 بوده و در این جنبه خلق نمی
 گنجد و ثانیاً این تحکیم با مسکو
 گذاشتن و سرپوش گذاردن بر
 روی حرکتهای ارتجاعی وجود
 نمی‌آید و بالعکس با افشاء و طرد
 آنها توأم بود و ما می‌باید امروزه
 ما اگر چه برای تحکیم وحدت
 کارگران و گسترش پیوند کارگران
 گران با مجموعه مردم در شرایط
 کنونی از اعصاب بعنوان شیوه
 این مبارزه اسفاده نم‌کنیم
 ولی نه به این دلیل که اینکار
 غلط است بلکه به این دلیل که
 لزوما بهترین شیوه در پیشبرد
 این مبارزه نیست. یعنی اگر
 کارگران در پیرویه مبارزه خود
 دست به اعتصاب هم‌زندان در آن
 فعالانه شرکت کرده و وضعه خود
 را که همانا ارتقای مضمون آن
 و تلفیق آن با مسائل سیاسی
 جامعه انجام میدهیم. کسی در
 این بحث دقت کنیم. اگر ما
 نگوئیم اعتصاب امروز در این
 شرایط بر مسئله سرد و بی‌موم
 غلط است عملا بدین مفهوم
 میشود که ما باید در مقابل آن
 اعتبار با ایستاد و جدا کتر کارگران
 گران را " نصحیت " نمود که
 چنین کاری در چنین شرایطی
 نکنند و چنین نظری انحرافی

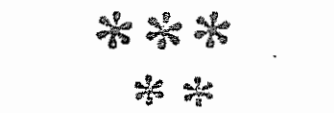
و راست روانه است. اما اگر
 نگوئیم اعتبار بر سر سود ویژه
 امروز (با در نظر گرفتن وظایف
 سیاسی فوق) محاز است بدین
 مفهوم میشود که از اعتبارات
 کارگری در این مورد حمایت
 کرده، در آنها شرکت فسمال
 نموده و سعی می‌کنیم به این
 مبارزات سمت و سوی صحیح
 دهیم. ولی آیا اعتبار بهتره
 بین شکل برای جلب حمایت
 همه مردم از مبارزه کارگران
 در این شرایط است؟ لزوما
 خیر! در نتیجه ما خود از این
 شیوه بعنوان حرکت مرکزی خود
 استفاده نکرده و سعی می‌کنیم
 نظرها را تنها و نما یسات سیاسی
 کارگران را در سطح شهردا من
 بزنیم. چرا چنین استدلال می
 کنیم؟ زیرا دلیل نفی اعتبار
 کارگران در این شرایط برای
 استدلال قرار داده و در میان
 برخی محافل کارگری مسورد
 بحث قرار میگیرد. یکی اینکه
 اعتبار به تولید ضربه می‌زند و
 در این شرایط تحریم اقتصادی
 و جنگ ضربه به تولید و توقف
 تولید سیاست آمریکا و خواست
 ارتجاع است. یکی از استدلال
 لات حزب جمهوری نیز اتفاقا
 همین است. در اینجا باید
 سؤال کرد چرا آمریکا تحریم
 اقتصادی میکند؟ چرا آمریکا
 سعی در خواباندن تولید دارد؟
 جواب روشن است. آمریکا
 چنین میکند زیرا میخواهد
 این کار فشار را بر زحمتکشان
 زیا در تروزیاء دتر کرده و آنها را
 نسبت به انقلاب بی تفاوت و سر
 خورده نماید. پس آنچه منظور
 نظراً آمریکا است صرفا مسئله تولید
 نیست بلکه بی تفاوت نمودن
 کارگران و زحمتکشان و بیرون
 راندن آنها از عرصه انقلاب می
 باشد و ما با یستی با این سیاست
 آمریکا و همه امیربالیستها
 مبارزه کنیم. آیا امروز حزب
 جمهوری کاری غیر از این می
 کند؟ آیا زمانی که کارگران
 دغانیات بر سر سود ویژه می
 بقیه در صفحه ۹۴

نامه یک کارگر به نشریه حقیقت

من یکی از سواداران اتحادیه کسوتیها هستم، می خواستم نامه زبر را در نشریه حقیقت برای اطلاع کارگران دیگر چاپ کنند. کارخانه پارس سال حدود ۵۰۰ کارگر دارد و تولید آن ریخته گری و دود فلزات میباشد. مصلحتی به سرما به داری به اسم تحصیلی بود که البته به نام دار بزرگ دیگری به اسم آزانسان و... با او شریک بودند. این آقای تحصیلی بعد از انقلاب علاوه بر اینکه رئیس کارخانه بود رئیس کمیته نیز بود. در حال حاضر وضع مالکیت کارخانه روشن نیست از طرفی آقای تحصیلی دختر خود را در صنایع و معادن با زکریه و از طرف دیگر صنایع و معادن برادر کارخانه نظارت میکنند. شورای کارخانه که به سمت مبارزه کارگران خصوصا کارگران موقت میباشد انحلال سندیکای طاغوتی بوجود آمده بود بعد از مدتی سلطان در کبریاها می گذرید طبقه بندی مشاغل بوجود آمده بود توسط انجمن کارگران و توطئه های آنها منحل شد. بعد از مدتی سحی به اسم سرعمادی را خود انجمن کارگران فرما در کارخانه پارس دادند با اینکه به سبب شی اس شخص شده بود شورای کارخانه بعد توسط خود همان صنایع و معادن کندکار را قادر آمد و معلوم شد با خارج و با دربار و تماس داشته است. البته بنظر من نیز بگوئیم که سرعمادی با زینت کسریک عرب بود و نامش سبب کارگران مصوب مصدوم می خواستند اصطلاحی هر چند کوچک اسمی میدهد. بهر حال وقتی آقای سبب عمادی را سرور کرده اند مبارزه ای سر راه آنها دیده در آن کارگران

چند نفر از یادی کارفرما را به شدت کتک زدند مثل عسگری رئیس کارگری و ظالمانی مدیر کارخانه از طرف صنایع و معادن و چند نفر دیگر. بعد از مدتی کارگران برای رسیدن به خواسته های خود پیش برن صنایع خود اقدام به تشکیل شورای جدید نمودند. نکته اینست که وزارت کار و رفاه اجتماعی که اینک به وزارت صنایع و معادن هجرت کرده است که نام نه نامه فرستادند و به این شورا قبول داشتند خود کارگران این شورا را که در آن چند کارگر مبارز وجود دارند انتخاب نمودند. چند وقت پیش بعینت جنگ ساعت کارنده بوده ساعت در روز و در وقت شب که حدود ۷ الی ۶ ساعتی در آن کار می کنند. وزارت صنایع و معادن وزارت کار برای بهره بردن بیشتر از کارگران و در ضمن حاضر شدن ۴۴ ساعت کار در روز هفته کارخانه کارخانه بودند. کارگران اول اعتراض قبول نداشتند کارگران قبول کردند که ۴۰ ساعت در روز در هفته کار میکنند و صنایع و معادن قبول نکرد و یک عمر از اعنای خود که رئیس صنایع مالی بود را به کارخانه فرستادند. شخص نام مرده پس از مدتی نمانده جیبی را حین بد انقلاب و دو چوبه کارگران گفت که اگر من سرم هم برود سرور سنی روم وسی کفازم که ساعت کار کمتر از ۴۴ ساعت باشد. و اگر اینها ضامن طلا هم تولید میکنند آراد عرض شک روزی منمیل میکنم ۵۰۰۰ نفر از جنوب می آورم و با آنها شروع به تولید میکنم. کارگران سفیدی عمیانی شده بودند که میخواهند بسند طاغوت را

جزند. می گفتند چرا در آنجا ایران تا سیونال ساعت کار کم تر است و اینجا بیشتر شود. و نامه صنایع و معادن می گفت ما میخواهیم از اینها شروع کنیم. و در این حال انجمن کارفرما از وضع استفاده کرده و حواله نمود که صنایع برای نتیجه ای گرفته نشود بعد از سه روز کارگران و شورا جلسه تشکیل دادند و شورا از کارگران خواست که قبول کنند ۷ ساعت و ده دقیقه در روز و جمعا ۴۳ ساعت کار در ۶ روز هفته نمایند. اولین نتیجه ای که از این مبارزه بدست می آید اینست که چون ما رهبری درست و حسابی نداشته ایم خیلی ساده تگت خوردیم و دوم اینکه در



نیز سلطو میراند. چقدر دستگی به همت ما دار که چقدر مضمون سیاسی آنرا ارتقاء دهیم. بدین ترتیب آنچه برای ما در این مبارزه اهمیت دارد مضمون مبارزه است و این مضمون نیز همانطور که در این نوشته مضمولا شرح داده شد جنگ و حزب است. ما تمرکز بر روی این دو مسئله نمیتوان طلوی نفوذ عا مریختن رژی را در این مبارزه رزات گرفت. با فعالیت سر چنین مضمونی ما نه تنها هراسی از احتمال استفاده سختی از این مبارزات نداریم بلکه معتقدیم اینجا عرصه مبارزه روحی برای اعنای و بی آبرو کردن آنها میباشد. در اینجا ما با سبب قدری بیشتر بطرا ب دیگر را مورد موشکافی قرار دهیم:

نمود ویژه

بینه از صفحه ۴۳ - رده دست رده و در مقابل انجمن اسلامی این واحده اعصاب هم دست میزنند و سگوبند قیامت رسی سگارده و سایر غیر رسمی آنچرا برابری شده و دست انجمن اسلامی و هیئت مدیره و دولست و محتکرین و دلالتها در دست هم میباشد و این دستها با بیستگی کوتاه شود، سق سبب خسته اند یا نه؟ نظر ما این مبارزه نه تنها به انقلاب مرده می رسد و ساعت را نماند بوده رحمتی از عرصه سبب نمیکرد بلکه سبب لعنای آمریکا و از آنها مضمون داخلی صرعه میزند و انقلاب را

(ادامه دارد)

اینها کیستند و از جان ملت چه میخواهند؟ (۳)

نظری به نامه سرشاده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بنی صدر

پنجم - 'روحانیت اصیل' و اصالتش!؟

دنباله از شماره های پیشین

سازمان مجاهدین

انقلاب اسلامی در دفاع از

روحانیت با اصطلاح "اصیل" -

بنی صدر را مورد شائبه قرار

داده و از اینکه وی روحانیت

را "کل و جز" کرده و از همه بکند -

ست پشتیبانی نمی کند، سرا و

محرورش، انسان می نویسد:

"آقای بنی صدر، لطفا صریح

تر بگوئید حساب کدام "جز" از

روحانیت را با بجا زدن آن جدا

کرد؟ آن چیزی که همه ائمه

جمعه در سرا ایران، همه

روحانیون دادگاههای انقلاب

همه روحانیون شورا عالی

قضایی، همه روحانیون شورای

نگهبان، همه روحانیون مجلس

شورای اسلامی (با استثنای چند

نفر معدود) و در یک کلام همه

روحانیونی که یا مستقیماً از

طرف امام به این مقامات

منسوب شده اند و یا انتخاب شده اند

مستقیم مردم انتخاب شده اند

منظور شماست و "مسب" همه

این "تابیانی ها" و حتی

"شروع جنگ" یا کمان دیگری؟"

مجاهدین انقلاب اسلامی

خلی عصایی شده اند که چرا

بنی صدر روحانیت را تکه تکه

می کند و بهر تکه آن شروع

دلخواه و یا با سلسله برخورد

مکند، این البته فقط ظاهر

نصیه است. مجاهدین انقلاب

اسلامی از آن روحانی بهره

گیرندگان (اگر غیرتی داشته

باشند) برخوردار است، چونکه

بنی صدر به آن تکه ای از روحا -

ست که در "جناح" ایشان قرار

دارد برخوردار غیر رفقانند"

سما بد، و اسباط قصه

اصیل

خود مجاهدین انقلاب

اسلامی هم محبوره تکه تکه

کردن روحانیت گشته است.

چون دیگر گذشت آن روزها بنی

که روحانیت خیلی متحد و واحد

بنظر میرسید، چون دیگر

گذشت آن روزهای حوشی کسه

روحانیت خیال میکرد، برای

همیشه متحد و واحد باقی مانده

و حکومت روحانی تا ظهور مهدی

موعودتداوم خواهد یافت و...

گذشت که آن سان گذشت! آن

روزهای خوش، و آن امسال و

آرزوهای شیرین خیلی زود،

مانند برف در زیر آفتاب تا -

ستان آب شد، فقط عده ای خوش

با ورکه فکر میکردند تنگنوری

نویسی کشف کردند فربه! امثال

و آرزوهای ذهنی روحانیون

را خوردند، و تصور کردند که

"کاست روحانیت" برجا می ماند

سلط گشته و "فاشیم آخوندی"

درا راه است!! ولی از همان

روزهای خوش و شیرین، آن ماه

عمل وصلت روحانیون

قدرت، معلوم بود که ما همای

"سرکه شیره" نیز در پی خواهد

بود. آری امروز حتی روحانی

ترین روحانیون و قشری ترین

قشریون هم محبوره تکه تکه

کردن روحانیت هستند، چون

روحانیت در واقع تکه تکه هم

هستند، فقط دعویایی که

مانده است این است که کدام

تکه "اصیل" است، و هر کس

عقده ای دارد.

مجاهدین انقلاب

اسلامی که خلی از بنی صدر

در مورد "جز" و کل "کردن روحا -

نیون دلگرونا راحت است،

خود به تکه "اصیل" آن اشاره

میکنند و تکه "تا اصل" آن را هم

معرفی میکنند (چون ایشان

خلی "بی پرده" تشریف

دارند) ایشان میفرمایند:

"آقای تلی تهرانی... بها

اشاره به جناح روحانیت اصیل

و معتقد به امام و مشی او چون

آقایان خامنه ای، هاشمی،

بهشتی و... شکل خنده آوری

میگوید..... "سرا این از

نظر مجاهدین انقلاب اسلامی"

جناح روحانیت اصل "و معتقد

به امام و غیره و ذلک همان

"جناح" معروف، همان "جناح"

خود ایشان، همان سران فتنه

گر حزب جمهوری یعنی خامنه

ای و هاشمی و بهشتی و اعوان

و انصارشان میباشد، گویا این

ها "اصیل" هستند. اینها

"اصیل" هستند چون در "جناح"

کذابی مجاهدین انقلاب

اسلامی قرار دارند. اینها

"اصیل" هستند چون در کنار

نویسندگان نامه تاخت و تاز

انحصار طلبانه در جامعه مشغول

لند، ولی البته اگر به مجاهد

بن انقلاب اسلامی بگویی شما

و شریکتان در "جناح" کذایی

تان انحصار طلب هستید، آنرا

رگ گردنشان سیخ میشود و به

انکار روحانیت می پردازند.

ولی شایده ایشان رفته باشد

که در همین نامه کذایی شان

مناصب اشغال شده از طرف

این جناح "اصیل" را بر -

شده اند: ۱- "همه ائمه

جمعه در سرا ایران"، یعنی

امثال خامنه ای در تهران،

ظاهری در اصفهان، مدنی در

تبریز، دستغیب در شیراز و...

که اکثریت قریب با تقایی این

"همه" از اعضا و هواداران و

"سمیاتیهای"!! حزب جمهوری

میباشند.

۲- "همه روحانیون شورایی عالی

قضایی"، یعنی امثال عنایان

بهشتی، موسوی اردبیلی،

قدوسی و... که اینها "همه"

این روحانیون از اعضا و

هواداران و... همان حزب

و همان "جناح" میباشد.

۳- "همه" روحانیون شورای

نگهبان"، یعنی امثال

حنایان حتی، مانعی، ربانی

شرازی و... که با هم (عصب

اتفاقی!!) از نزدیکان و یا -

ران و کارپردازان همان...

که خودتان میدانید می

باشند.

۴- "همه" روحانیون دادگاه

های انقلاب"، یعنی امثال

موسوی تبریزی، اراکسی،

معاذخواه و... که با هم

(اتفاقاً!!) از نزدیکان

و باران همان حزب معروفه

میباشند.

۵- "همه" روحانیون مجلس

شورای اسلامی" (با استثنای

چند نفر معدود) - یعنی همان

اکثریتی که باعث "پیروزی خط

امام" شده بود!!، یعنی

همان اکثریت حزبی در مجلس

و البته استثنای معدودی

چند!! اینان همه این

مناصب را عصب کرده اند. با

تصویب یا عدم تصویب امام

- و آنگاه فریاد می آورند

که ما "انحصار طلب" نیستیم،

این است آن جناح "اصیل"

از روحانیت که مجاهدین

انقلاب اسلامی عاشق سینه

جاک آنراست، این جناح

"اصیل"، مجلس و قوه قضائیه

و شورای نگهبان و تربیتون

تعلیماتی نمازهای جمعه و

ایضا برخی مقامات دولتی

را قبضه کرده اند، و بخش دیگر

"جناح" - یعنی مجاهدین

انقلاب اسلامی و سردمداران

مناصب مقامات دولتی و

مجلس و... را!! عناصر

بقیه در صفحه ۱۶

اینها کیستند

سند از صفحه ۱۵
 خیلی خیلی "اصل" "روحانی"
 حرب جمهوری جور بهمنی و
 حامنهای ورفسنجانی و... آن
 مقامات را اشغال کرده اند،
 و عناصری با خیلی خیلی "اصل"
 "غیر روحانی" مجاهدین انقلاب
 اسلامی چون نبوی، دوزدوزانی
 ، رجایی و... این مقامات را!!
 آنوقت بی خودویی جهت سه
 این "حاج" "اصل"!! و خط
 اما می بگویند حاضر طلب!
 ولی "امالت" ایمن
 "حاج" روحانی درجست و در
 چه نهفته است؟ آیا "امالت"
 ایمن در این است که خیلی
 "زاد بخواد" و "دمکرات منش"
 هستند؟ ما هر چه در اعمال و
 رفتار این "حاج" نظیر
 انداختیم نه تنها آزاد بخواهی
 و دمکرات منش در آن نهائیا نسیم
 ، بلکه هر چه دیدیم حزب و جماع
 و سرکوب و امانت به نوده های
 مردم بود، البته خود امانت
 "حاج" هم ارا سکه کسی انک
 آزاد خواهی به آنها بچسانند
 با دحوشان سی آمد، حور
 سانه سمارت ایمن آزادی -
 خواهی تا "البرالسم" مترا -
 دفاست!! آیا "امالتست"
 ایمن در اینست که خیلی
 "استقلال طلب" میباشد؟ خود
 شان خیلی ادعا ایشان میشود!!
 ولی با زهم ما هر چه با همسال
 و رفتار این "حاج" نظرا انداختیم
 هر هوجی گری چیزی نیافتیم .
 و فنی تسلیم سحرمانه سه
 امهرالسم آمریکا در همیشه
 حاسوسان آمریکایی را می

نگریم ، وقتی نغمه های سازش
 با عراق را مشنویم ، وقتی
 پاسخ های حیوانانه سه
 اولتیماتوم ابر قدرت روس را
 میخوانیم و... می بینیم
 اصلا "اعالتی" در این دار -
 و دست موجود نمی باشد . ولی
 آنها هنوز هم ادعا دارند که سه
 "اصل" هستند . پس بایسد
 امالتشان را نشان داد .
 آنها یک "امالت" تار -
 نخی در تاریخ معاصر کشور ما
 دارند . "حاج" مربوطه دناله
 آن حریان منخط ، مرتجع و
 متکی به سیکاه ، روحانیون
 است که حکومت مرتجعین و
 واستگان به سیکاه راه در زیر
 لوای دین علم کردند . "حاج"
 مربوطه دنیا له - جریان شیخ
 فضل الله نوری در عهد انقلاب
 مشروطه ایران است که جیره
 خوار در برابر محمد علی شاه سرد
 و ورود سیاهبان تزاری را
 "قوت دین و اسلام" میدادست
 و سخوات مشروطه را به مشروعه
 بدل کند . همان شیخ فضل
 الله میدیادی که زیر علم
 اسلام و دین و شریعت به دفاع
 از استبداد محمد علی شاه هی و
 سلطه تزاریم در ایران قیام
 کرد . "حاج" مربوطه دنیا له
 جریان آیت الله کاشانی در
 عهد نهضت ملی شدن صنعت
 نفت و حکومت ملی دکتر محمد
 مصدق است . دناله ، حریان
 کاباسی چی ای که در ظاهر سه
 دفاع از مصدق برداخت و در
 نهان با کودتا جیان ۲۸ مرداد
 سر علیه مصدق توطئه ریخت
 همان جریان کاشانی چی ای که
 ، با آلت دستش فدائیان اسلام
 را از ادبهای مردم حمله سرد
 و در آخر هم با هم پیمانسان و
 هم مسلکانش در حزب زحمتکشان
 بقایی ، از آخور کودتای امیر
 یالیم آمریکا سر بر آوردند
 و برای استبداد محمد رضا شاهی
 تبلیغ کردند و محرز گوی سلطه
 آمریکا ثبات امهرالسمت
 در ایران کردند .
 "حاج" "حزبی حاضر

دنیا له همان جریانات "اصل"
 روحانیت در گذشته است و
 "امالتشان" نیز همان "امالت"
 !! "امالت" ایمن در استبداد
 و زورگویی ، در جماع کشی و
 دارودسته های جما قدر بر سر
 انداختن است ، در اتکاء سه
 خارجی و قدرتها ی بزرگ سلطه
 جو برای حفظ مقام و منصب
 خود است ، در فریبکاری و مردم
 فریبی است ، در برپا ساختن
 حکومت ارتجاعی و متکی سه
 سیکاه در زیر پرده دین و "دفاع"
 از حقوق مستضعفان است ، اینها
 هستند "امالت" ایمن "حجاج"
 مشروعه چی ! شا در وان ظالمانی
 اصل و نسب ایمن را چه خوب
 بر ملا ساخت و قتی که گفت ایمن
 میخواهند استبداد را در زیر
 پرده دین برقرار سازند !

ششم - خیابان 'یکطرفه' یاد دو طرفه؟!

مجاهدین انقلاب
 اسلامی به سنی صدراعظمی
 میکند که یک اتحاد دنا همگونی
 از گروههای مخالف "خط امام"
 چون نهضت آزادی ، مجاهدین
 خلق ، جاما ، دفترها هنگی و...
 از وی طرفداری میکنند . ولی
 زود با دش میفتد که حزب تسوده
 وعده ای دیگر نیز که زیاد از
 "امالت مکتبی" و "خط امام"
 سوشی نبرده اند نیز از "حجاج"
 ایمن حمایت میکنند . بنا بر
 این به مغلظه گویی میپردازد :
 "باید توضیح دهیم که اولاً : آن
 اتحاد "دوحا نیه" است . یعنی
 حمایتی "طرفینی" میباشد ،
 نه اینکه مشلاجه ملی از "دفتر
 هما هنگی" حمایت کند ، بلکه
 دفترها هنگی نیز عمدتاً در
 جهت حمایت از آنها ،... قدم
 بر میدارد . ولی از این سو
 قضیه کاملاً "یکطرفه" است .
 یعنی تاکنون هیچ "عنصری یا
 گروه خط امامی" را نمیشوان
 معرفی کرد که از حزب تسوده و...

حمایت کرده باشد و یا حتی قصد
 و نیت آن را در سر بروراند"
 متوجه شدید! در مورد بیسی
 صدر "دو طرفه" است و در سوی
 ایمن کاملاً "یکطرفه" و تا
 کنون نه تنها هیچ یک از عناصر
 و گروههای "حجاج" ایشان از
 حزب تسوده دفاع نکرده بلکه
 در مخیله شان نیز این نکسر
 "شک آلود" رسوخ نکرده است .
 البته مجاهدین انقلاب اسلامی
 چون میدانستند که محبتش خیلی
 لنگ است مجبور شده که تقریباً
 (یک نهم) نامه دورود را از
 راه توضیح و توجیه "استرا -
 نژیک" و "ایدئولوژیک" ایمن
 "یکطرفه گی"!! سپردا زد .

اجازه دهید فرض کنیم
 که خیابان "یکطرفه" است ، یعنی
 حمایت "طرفینی" چه در عمل
 و چه در "نیت" تسوده و "حجاج"
 ایشان اصلا کاری به کار حزب
 تسوده ندارد . ولی فوراً یک سوال
 مطرح میشود که چرا جاسوسان یک
 ابر قدرت - ابر قدرت شرق -
 از شما حمایت میکنند؟ آیا
 چون شما خسل "فنا میر با لیت"
 و "انقلابی" هستید ، و اینها هم
 گویا خیلی سینه خاک "انقلاب"
 و "استقلال" میباشد ، است که
 جنس آتشین به دفاع از شما
 در مقابل سنی صدراعظمی
 بلند شده اند؟ با اینک در شما
 نورامندی مشاهده کرده اند
 چشمک هایی رد و بدل شده است؟
 کدام یک؟

مجاهدین انقلاب اسلام
 برای توجیه "علمی" حمایت
 یک جاسوس ابر قدرت روس از
 خودشان ، میفرمایند: "حزب
 تسوده ، برای امکان دست یافتن
 به ایجا دزمینه های یک کودتای
 ما را کمبستی "در دراز مدت
 و تسلط روسیه بر ایران ،...
 بناچار رساید ، از "خسفت
 امام" حمایت کند ، و با نشوون
 در دستگا هها و مراکز تسودت ،
 زمینه های ایجاد یک حکومت
 ما را کمبستی "، نفوذ "روسیه و
 در نهایت "سلطه" آن راهوار
 تسوده در منطقه ۱۷

اینها کیستند...

بقیه از صفحه ۱۶ —
 سازد. حزب توده میخواهد تسلط روسیه بر ایران را هموار سازد، برای این منظور مشغول نفوذ در دستگاها و مراکز قدرت است و..... ما یعنی "جنج" مربوطه نیز بدان اجازه این کار را میدهم — چون فعلا مخالف رقیب ما است آیا این حمایت "بکطرفه" است یا "دو طرفه"؟ حزب توده میخواهد سلطه یک ابر قدرت سفاک را بر جامعه ما مستولی کند، ولی ما به وی اجازه فعالیت آزادانه و "آزادی ایران عقیده" (عقا — بیدار قدرت روس) را میدهم، چون فعلا زیا در مقابل رقیب حمایت میکنند، ولی ما در بر نثریات مجاهدین را تخته می کنیم چون از ما در مقابل سبیل رعب حمایت نمی کند! آیا این حمایت "بکطرفه" است یا "دو طرفه"؟
 ولی آیا واقعا ما با خاسانی "بکطرفه" رویرو هستیم و یا "دو طرفه"؟
 چگونه با بیدارگری آگاهانه، عنا سر حزب توده را در کار خانات به مناصب سرپرستی و... توجیه کرد؟ چگونه با بیدار استفاده از عنا سر حزب توده و اکثریتی را برای منحرف ساختن حشش کارگری و سرکوب آن توجیه کرد؟ چکسانی آگاهانه به حزب توده وفادارند، اکثریت در کار خانات، پروبال میدهد؟ آیا هیچ کس جز شما و "جنج" شما به چنین کاری مشغول است؟

چگونه با بدتخته کردن و غیرقانونی کردن نشریات همه سازمانهای مترقی را در کنار "امتیاز" دادن به روزنامه، بک حزب که بقول خودشان هم میخواهد کودتای روسی در ایران راه بیندازد، توجیه کرد؟ آیا این دلیل حمایت "طرفینی" و "دوجانبه" نیست؟ آیا نواقص صورت نگرفته است که حزب توده هر روز اساسی از بهزاد نبوی و بهشتی زرفسناجانی و... بعنوان "ضدامیر" یا لیستهای "دوآتشه" وارد، و فحشی به لیبرالها نثار کنند و شما هم از اینان حمایت کنید ولی حمایت خاموش!! چگونه میتوان نقشش جاسوسهای توده ای را در جنوب، در آبدان، که تمامی اطلاعات مربوط به گروههای سیاسی را به دایره سیاسی سپاه پاسداران میدهند توجیه کرد؟ چگونه می توان نقش عنا سر حزب توده را در بخش سیاسی مساجد در جنوب توجیه کرد؟ آیا اینها از "نیت" پاک و "سی غل و غش" شمایلر میخیزد، یا از نفوذ حزب توده در ارگانها، و یا از حمایت "طرفینی" و "دوجانبه"؟ چگونه میتوان کنفرانسی مشترک نمایندگان "جنج" شما و حزب توده را در تنگابن در مورد "لیبرالسم" توضیح داد؟ آیا حزب توده بصورت شوریک به "حمایت بکطرفه" از شما آمده بود و شما هم اصلا حمایتی از ایشان نکردید؟ حتی در آن کنفرانسی؟
 چگونه میتوان ملاتهای جنابان بهشتی، رجائسی و نبوی را با اکثریتیها توجیه کرد؟ آیا اکثریتیها فقط برای اعلام حمایت "بکطرفه" شرفیاب شده بودند، یا اینکه به نان و نوایی "جانسی" هم رسیدند؟
 چگونه میتوان نمود عوامل و عنا سر حزب توده و سبک ستهای بک دست "توده ای"!! را در راهی و تبلیغیون توجیه

کرد؟ آیا با طر این است که خیلی "آزاد بخواه" شده، ایسد و به اینان اجازه "ایسراز عقیده" آزادانه داده آید؟! راستی جنابان "بکطرفه" است یا "دو طرفه"؟!
هفتم - اینها کیستند و از جان ملت چه میخواهند؟
 درباره "نامه" سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بنی صدر و اعمال و افعال آنها بسیار نکته ها میتوان گفت و بسیار میتوان نوشت. ولی مجال اینهمه نوشتن و گفتن نیست، ولی با این همه اینها کیستند؟
 اینها کیستند که با اینکه رهبران و وابستگان نشان چون رجایی، نبوی، دوزدوزانی، عسکراولایی، و... در مصادر احزابی و مقننه مملکت لطمه داده اند، هیچگاه نام و نشان سازمان خود را "برملا" نمی کنند و فقط با صدور "اطلاعیه ها" و "هشدارها" و "نامه هسلای" آنجنانی حضور خود را بر ملت ظاهر میسازند؟
 اینها کیستند که بیشتر از همه دم از مبارزه علیه آمریکا میزنند و همه را بغیر خود و هم مسلکان و هم بیمانان حزسی شان "آمریکایی" میدانند، ولی به کشف تریب و جهلی بیای تسلیم به امپریالیسم آمریکا میروند؛ جاسوسان آمریکایی را آزاد میکنند و به روی آنها میلیاردها دلار از ثروت این ملت را هم ارزانی میدارند؟
 اینها کیستند که بیشتر از همه به مردم "هشدار"های پر آب و تاب در مورد کودتای سوم امپریالیسم میدهند، ولی بیشتر از همه هم در امر دفاع متحدانه از انقلاب در مقابل توطئه های امپریالیسم کارشکنی میکنند؟
 اینها کیستند که بیشتر

از همه درباره "پیروزی در جنگ" و "فتح کربلا" داد سخن میدهند، ولی در زیر پرده مقدمات سازش با عراق را میسازند؟
 اینها کیستند که خود را در ظاهر "برادر رئیس جمهور" میخوانند، ولی در باطن حاضرند خوزستان از ایران جدا گردد ولی بنی صدر در جنگ پیروز نگردد؟
 اینها کیستند که همه مبارزین را بانگ "طاغوت زده" از مدرسه و کارخانه و دانشگاه و اداره حکم به اخراج میدهند، ولی خود با منفورترینین "طاغوتی"ها چون میراثرائیها، آیتها و فلسفیها نرد عشق میسازند؟
 اینها کیستند که بیش از همه گویا به غربی اندونه شرقی، ولی هم بیای تسلیم در مقابل غرب میروند، وهم در منازل با شرق و عمال ایرانی شرقی هستند؟
 اینها کیستند که بنام دین و مذهب و اسلام، بخود حرارت میدهند و هر سازی را با بک انگ "آمریکایی" و "روسی" (که بیشتر و صفال حاق خودشان وهم "جنج" شان است، تا کسی دیگری) "بی آبرو" میگردانند، بنام "ولایت فقیه" و "خط امام" بساط استبداد و جماعت کشی را در جامعه گسترده اند و به جان و مال مردم تعرض میکنند بنام "مکتب" دستهای شه نظامی راه انداخته اند و هر غلطی که دلشان خواست می کنند، بسام "مستضعفین" بر ثروتهای این ملت جنگ می اندازند و به غارت و جبا و لگری مشغولند، بنام "توزیع عادلانه ثروت" بساط دلالتی و احتکار را از من زده و خود سر دسته، این اعمال هستند، بنام اسلام و حفظ اعمال کذایی مکتب و نفاق و تفرقه در صفوف ملت را وجهه همت خود قرار داده اند و.....
 بقیه در صفحه ۱۸

ادعای نامه

و سفیر بگرد. ولی دولت... اصطلاح مکتبی و استلانی... گروگانهای جاسوس را به دولت... آمریکا تحویل داد و حتی مطاب... لیات جنلی دولت آمریکا را... تمام با به کردن گرفت و پرداخت... ۱ - دولت آمریکا هیچ... تعهدظاهری هم در باره... بدوا حله در امور داخلی کشور ما... ندا دوازده مداخلت گذشته خود در... کشور ما هیچ سوری نخواست... این نفس شرط اول

۲ - دولت آمریکا در باره... ره هیچ یک از مواضات و تحمیلات... پس از انفال لانه جاسوسی هیچ... فوکی ندا و عملی نکرده، حر... اتلام رفع تحریم اقتصادی... یعنی فروش کالا در ایران که... مانتش صرفا خودس بر میگردد... این نفس شرط دوم

۳ - دولت آمریکا دارا... نی های ملت ایران را که در... بانکهای آمریکا مسدود شده بود... همچنان در اجسار خود نگریسه و... رفع دعوا بر آسپاراهه محاکم... آمریکا نی سعی مورد سانس... خودس حواله کرده است

بسیار محدود ۱۲۴ سالارد... دارائی های مسدود شده ایران... که تاکنون بر آورده شده است... تنها کمسراز ۳ میلیارد آبرا... آسپه حسان الجزا بردن بانک... های انگلسان وار سر کرده اند... حال آسکه در مسائل حدود سس... اره مسلبار د دلار دارائی های... ملت ما را سنوان مظالسان... و سیره و اسهای جعلی دولت... آمریکا به حیب رده اند. اسس

نفس شرط سوم... ۴ - دولت آمریکا هیچ... سنی از دارائی های عارنی... ناه معدوم و سنگا نش را سسه... ایران ندا دوحی فول پس... دادش را هم داد. این نفس... شرط چهارم

در مقابل نفس تما سی... این شروط دولت رجائی همه... گروگان سپا را بی داد و ستاره... حدود یک میلیار د دلار هم روی... آسپا گذارده و اکسوس بشر ما به... دم از "سروری ایران" می... رسد... مردم ایران سران این... دولت و حاسیان آن راه حرم... کلاه گذاری سر سر مردم و بسسه... حرم نفس قول و شروطی که طرف... داران خودشان در مجلس وضع... کردند، سخواهد:

۱ - متن تمامی مذاکرا... بست برده سیان سنا بنندگان... دولت، میاخی های الجزایری... و سر سنا دگان دولت آمریکا و... همچسین فول و قرارها و سیمها... نی که میان دودولت ایران... و آمریکا رد و بدل شده است... شورا به اطلاع ملت برسسد و... نانی گردد!

۲ - با قیام داده اسناد... لانه جاسوسی، خصوصا اسناد... موجود در باره سران حرب... جمهوری استلانی، که از افشاء و... بخش آنها جلوگیری شده، ار... رادسوس بلویزیون بخش گردد و... به اطلاع ملت برسد!

۳ - دست اندر کاران... مناسله، حاشا به در فسه کرو... کاسپا و امزادی جون رجاشی و... سهراد سوس و دستگران در بسک... دادگاه صالحه مورد سار حوشی... برار گیر سدوسه حرم نفس عهد... (سعی عدم محاکمه گروگانها)... و نفس شروطی که مجلس مورد... تا شد خودشان وضع کرده سوس... محاکمه سوسند.

آنها کمی نیست... - شماره صفحه ۱۷ -... اسپا عمار سنا در حرب... جمهوری اسلامی وهم سمانان... آسپا سار زمان محاهدس انقلاب

پرسش و جواب

سپه از صفحه ۳... ای سربازو با سنا دارو... و رمنده ای که راهمه جیز خودنگد... سه و برای حط آزادی و سرور... مردم و استقلال اس کشور گردا... به می حکمی! سر سر غنا سس... سراع نگر، که ملنی را سسه... عسنت خواهی داد! کتکسپا... نی که سیمان سنا اندا حسه و... شما را بدر قانت با بکد بگر سر... صرف غنا تم و افتخار اب حگی... و غیرا نکبجه اندسه سوسما... ست و نه سوسود مردم و اسسقلال... کشور است، ننسبجه! اینکا رهسا... وقوع زوبیدادهای اسفا کسسی... چون ما حعه، با سگه حمید است... سنبجه! اینکا رهسا به هدر رفتس

شوراها

شماره صفحه ۱۹... سنا دستا و ردا س سار ره... سس و سلکده سس مجموعه ای... نادره عقب سنا ندن سدرست... و حقوق سسشدن به خوا ستهای... خود سسر سنا سد، سدرسی که... سلا سکت شورا سی سورا و... اعمای سورا را از اظافی خود... سرون کرده سوسن را بس... مجمع سسند و سنا سساده، و از... اسلامی و دارودسه های سطا می... وشه سطا می آنها در سراسر... مملکت! اینها سخواهند... حکزمت اسرجاعی و سکی سه... سدرسیای سررک حارخی را در سسر... سرده، دس در حاه سسسر... سار و دودوران ساه محمدر صا... ساهی را دوباره زسده کسند... ملت ایران کام مجسی... سطر سورا خواهد اسب اگر اسس

خونهای زیادی از خود شما و... شکست مردم از دشمن است... نکذا ریدگروههای فرصت طلب... حاکم در تهران، که از لالی سر... سنا با اسرف در آمریکا وارد... مذاکره و معامله سسوند، برای... تحمیل سلطه، حویش سر مردم... در میان شما اختلاف اندازند و... سنا را با ریح قرار دهند و سدهم... که کار جنگ را با نظر قه افکنی ها... و رقابت های شوم دشمن سادکن... خود سه شکست کشا سید سنا دس... وارد مذاکره و معامله سوسسد و... تمام حوسهای ریخته شده را بی... مال گردا سند - چنا نکه همین... کار را در بی اشغال لانه، حاسو... سی و اس حسنت سنا سیریا لیستی... مردم گرد سوس از اینهمه مح... مره، اقتما دی و تهیدید و حنا وز... و سنا را سیریا لیستی در برار سر... آسپا زانوز دند و بر شرف ملتی... لگد کوبیدند.

شورا دعوت کرد که سنا سندوسا هم... صحت کنند، سنا سندگان شورا... سنا سچ اس طسه را بدین شرح... به کارگران گزارش کرد سس: ۱- عقب سشی سدرست در... مورد و سرفکار سکرسی و سسلسه... اسفال آسپا، ۲- عقب سشی... سدرست در مورد حقوقهای سالا... برار سس شورا به سرونده های... کار سندان رسدگی کند و سسد... حقوق آسپا سنا سزان تحصلا... سنان و سنی دار داسه ۳- عقب... سشی سدرست در مورد اسنا... سنا س شورا، ۴- عقب سشی... سدرست در مورد وضع سزوسهای... زسب و اسنا سگران و کار سندان.

"حاج کداسی را از اسکه،... قدرت سسر کشد، کونا ه کسردن... سنا بس "حاج" سسرو عکسر... از حیات سسای حاهه گام... سررگی اسنا در انقلاب دموکرا... سبک و سنا سیریا لیستی اسران،... کام مهمی اس برای اسناد... وحدت ملت اسران در سسر... احام سنا سدن اس انقلاب!

خبری تحریف

بقیه از صفحه آخر

از ارجیف واقعه‌های رشوه‌خواری و قتل و ایجا دخریسق و غیره که طبیعتا شکرده‌ها انقلابیون ارتجانی حاکم بر چین در تخطئه بیروهای انقلابی است که بگذریم آنچه ما بنده خط سرخی در میان این اخبار حضور خود را نشان میدهد این است که تدارک انقلابیون چین برای سرنگون کردن دارودسته خیانت پیشده حاکم تنگ سیا- ثوپین و شرکا هر روز ایما دگسترده تری می‌شود می‌گیرند و انقلابیون وفا دار به ما شوتسه دون آمده میشوند تا توده‌ها را سحرکت درآورده راهبان راه سرمایه‌داری را از اریکه قدرت بریرکشدند.

پرولتاریا و توده‌های مردم چین که تحریم بزرگ انقلاب فرهنگی پرولتاریایی به رهبری رفیق ما شرا اندوخته‌اند تا آمده میشوند تا اینبار تنگ و شرکا را به زیاده‌دانی تریسخت بریزند.

شوراها

بقیه از صفحه ۲۰

تسمتها شروع به خواندن سرود "کارگر- کارگر" کردند که این خود نشاندهنده حمایت آنها از این حرکت شورا بود. بدین ترتیب شورا حاوی کارگران سر بلند بیرون آمدند همین کار قدرتش چندبرابر شد و آن حالت باس و دل سردی که میان کارگران نسبت به شورا در حال موجود آمدن بود یکبارها از بین رفت. مجموعه کارگران در مقابل سر پرستها و مدیریت موقعیت جدید پیدا کردند. اینجا همه نشخه برقراری مناسبات صحیح میان شورا و کارگران است. آن شورا شئی که چنین روشی برای حل مسائل کارگران در پیسش کبردا ایمان کارگران را به شورا

و کار شورا شئی اعزاش داده و در نشخه به حیات شورا تداوم بخشیده و ضربه پذیری آنرا کاهش میدهد و بالعکس آن شورا شئی که بخواهد مسائل را در چهارچوب مناسبات خود مدیریت حل کند خواهد ناخواه هر روز کارگران فاصله بیشتری گرفته و بی‌اس و دل سردی نسبت به شورا در میان کارگران تقویت میگردد و شورا شئی که زبیرایش خالی باشد بپراحتی میتواند اماره سرخود خارج شده و با ضربه‌ای سرنگون شود.

اما تحکیم اتحاد کارگران و افزایش اعتقاد آنها به شورا بقیه در صفحه ۱۸

کمکهای دریافت شده

رفقای هوادار در آلمان - ۵۲۰۰۰ ریال شما دریافت شد.

هوک بوی

بقیه از صفحه ۹۰

فرصت طلب و خیانت پیشه هیچ غلطی نخواهند توانست کرد و تنها به نایبونی خودشان سرعت خواهند بخشید. ترا بنبار به باز هم غوا هم نوشت.

تصفیه ...

بقیه از صفحه ۶

بخشنا ماهی که از طرف دادستان نی به من داده شده است وظیفه دارم که کارم را ادامه دهم یعنی اینکه ایشان وظیفه!! دارند دست به تصفیه و اخراج دانش آموزان مبارز سزند. چه وظیفه انقلابی و مکتبی!!



تهدید کارگران ...

بقیه از صفحه ۶

کارگران در سه شیفت شبانه روزی کار میکنند. در پی سخنرانی‌ها، به دستور مدیریت ما مل و به بیانشه "کسب و کار زوئیل" مقدمات یک کاهش تولید مصنوعی ریخته میشود. ادامه آن در روز شنبه ۵۹/۱۰/۲۷ توطئه‌هایی برای اخراج "قاسونی" عسده‌ای به چشم می‌خورد.

حقیقت

ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران را بخوانید و پخش کنید



دوستان و رفقا

اتکاء مالی ما بشماست

کمکهای مالی خود را بهر طریق ممکن ارسال دارید

شوراها

شماره پنجم، آخری
کارگران سرسازد موجب شورا
درمان کارگران هروررتخو-
بب سمود، در اینجا تجربه ای
ارکا رخا به هوجب درنا شد
مطلب فوق ذکر می شود.

چندی پیش در یکی از
قسمتهای اسانکه تملاکاری در
آنجا نسبت چندین کارگران
که حدود ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه
کار داشتند و افرادی بسیار
هستند کار می نمودند. در عین
حال نسبت سمبانی کارخان
بدلیل رخصت دو نفر از کارگران
بخدمت سرکاری احتیاج سه
کارگر پیدا می کند. مدیریت
کارخانه بدون مشورت با شورا
به دو نفر از کارگران مس-
مب اسانکه تملک می کند که
با سابقه سمبانی سمبانی
رخصت و دو جای خالی را پر کند
با اینکه دیگر کارخانه آنها
احتیاجی بداد و اجراج حوا-
هدند. شورا پس از فهمیدن
این مطلب، با سوخته است که
نسب سمبانی کارگران
است و احتیاج به کارگران
حوا و قوی دارد. پیشی مدیر-
ب رخصت و اعزای می کند و می
کوبد اس کارگران جای پدر
ما هستند و اگر آن نسبت برود
کاری اردستان ما چه سمب و
ساعتها آنها را اجراج خواهند
شد. چرا کارگران حوا
برای جسی کاری استاده
می کنند؟ مدیریت در حوا
میگوید "اس مطلب به شورا
هیج ربطی ندارد. شورا چکاره
است که اس مسائل در حال

کند. املا شورا سی سورا و ما هر
کاری دلمان حواست می کنیم"
و اعزای شورا را اراط و سوه
می کند.

شورا در مقابل اس حرکت
مدیریت دو کار میخواست می کند
و یک راه اس بود که سعی کند،
با گذاشتن جلسات متعدد با
مدیریت اس مسئله را حل کند
و راه دوم اینکه اس مسئله را
مستقیماً بمان کارگران برده
و با همب آسان اس مشکل را
را اس حل نماید. شورای کارخان-
به هوجب که با حال همسه
ار روس اول استاده کرده بود
همواره در حواست کارها را از
طریق جلسه گذاشتن و صحبت
کردن با مدیریت حل می کرد، اس
با برودن دوم بوسل حسب،
صح سردای آسور شورا صیل ار
رخصت کارگران به صحنه نه
اعلام کرد که کارگران بعد از صرف
صحانه در کاسی سمب سمب
کار برود. غلب جسی دعوی
سرو و شوغ در کسری میان مدیر-
بب و شورا ذکر شد و اینکه شورا
در مورد سمبانی میخواهند
تعمی نکلیف کند، کارگران
سرخلاف سر برستان و کارمندان
ار اس دعوت استقبال کردند
و بعد از صحنه در محل کانتین
ما بدست و بدین ترتیب عملیات
مجمع عمومی از کارگران
سکلی شد.

یکی از اعزای شورا سمب
درگیری با مدیریت را برای
کارگران سرک سموده و سمب
مسائل را از سر با سار سرح
داد. او گفت که دعوا بر سر
استفال یکی دو کارگر مسب
به نسبت سمبانی بوده و در اس
را بطر حورید مدیریت به شورا
را برای کارگران بوضیح داد.
همه کارگران اس عمل
مدیریت را محکوم می کردند
خود کارگری هم که مدیریت
میخواست او را با اس مسئله
اجراج کند صحبت کرد و گفت
"مسئله من جسی نسبت واکبر
ار روس را بیرون می برد
سرو کردن دیگران با رخصت
سودار همه اس حرفها گذشته

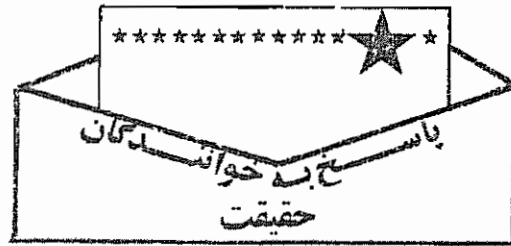
حوا مدیریت با اس بنقد رسید
شورای احتیاجی می کند و..."
پس اس محسبها کارگران
دستخمتی تصمیم گرفتند که آن
دو کارگر رخصت در قسمتهای خود
باقی بمانند و شورا سز سزای
تکمیل نسبت سمبانی از
کارگران حوا یکی دو نفر
را انتخاب کند. با اس مجمع
صحنه با حل و فصل اس مسئله
با اس نفاقت. شورا با مسائل
مستعد دیگری سرو سروست و
اس با تصمیم گرفته بود با
انگاس مستقیم به کارگران حل
اس مسائل را در دست گیرند.
در صحنه شورا مسائل دیگر را
سزیک سزیک سرح داد و او کس
مدیریت را سر بهر یک اس
مسائل گفت و از کارگران حوا-
ست که در حل هر یک از اس
مشکلات شرکت و بیگیری سموده
و شورا را تنبها بگذارند.
یکی از مسائلی که پیش
اربا با نفاقتی گفتگو بی را-
مون نقل و اشتغال دو کارگر
مس مطرح شد اس سنا به شورا
بود. شورا در رابطه با وظایف
و اسامی دکنه های در اعزای
اس وظایف با اسامی نه
کرده است ولی مدیریت اس
سنا به شورا را ناسد کرده است
شورا در مجمع بیشتنها می کرد که
اس اس سنا به به قسمتهای
مختلف کارخانه برده بود و کار-
گران پس از خواندن و نظرس

دادن درباره آن بتوان
تا شده اما بی کسند و شورا نس
با اس کارگران طس
اس سنا به کارکنان کاری به
انکه مدیریت موافق است با
مخالف نداشته با تدوین سرت
دیگر حوا لکه مدیریت میخواهد
سرخود کارکنان هم سر خود کار
می کند. اس بیشتنها با تاشد
همه کارگران برودند و همه با
صراحت "درست است" از شورا
بیشتناسی کردند. شورا هم-
جسی در مورد حقوقی مدیران
انگاری کرده و با سنا شد
نصوب کارگران تصمیم گرفت
ار روس اعزای که محفوظان
سنا اس سنا هزار تومان در
با اس سنا کارخان حل و کسری
سنا. مسئله دیگری که مورد
مخبت قرار گرفت وضع سرو س
های رخصت و آمد کارگران و کار-
مندان و لزوم کسان بودن آن
برای همه بود که مورد تاشد
کارگران قرار گرفت.
همه کارگران از اس
حرکت شورا حواستال بودند سزا
جسی کاری با اس حال در اس
کارخان با سنا نداشته است.
همه کارگران صحت از اس می
کردند که "شورا مون داره قدرت
می کرده" و در آخر جلسه سز
کارگران با شعار "درود بر شورا"
سالی را ترک کردند. کارگران
پس از رخصت سرکار سزدر

شماره پنجم، ۱۹

شوراهای کارگری: قانونهای مبارزه
ضد امپریالیستی کارگرانند!

حمله به شوراها، حمله به مبارزه ضد امپریالیستی



در دیل پاسخ به سوالاتی که از شما...
ره پیش، به علت کمبود صفحات نشریه باقی
مانده است را جواب میدهم.

انترناسیونالیسم پرولتری چیست؟

سوال شده است که "مسئله انترنا...
سیونالیسم را در ارتباط با شوروی توضیح
دهید، چه یکی از پایه های عمده
استدلالات مدافعین روسیه میباشد."
و "درباره مفهوم انترناسیونالیسم
توضیح دهید"

توضیح کامل انترناسیونالیسم
پرولتری مستلزم مقاله مفصلی است که
این سون، چنین امکانی را ما نمی
دهد. لیکن بطور خلاصه انترناسیونالیسم
پرولتری بدین معنی است که کارگران
سراسر جهان دارای یک وحدت منافع
مشترک در برابر سرمایه داری بین المللی
هستند. چون نظام سرمایه داری به بسک
نظام بین المللی چپاول و بنمادگری
تبدیل شده است، دیگر کارگر هندی و آفری...
بقای با کارگر آلمانی و آمریکایی در
این نظام بهره کشی تفاوتی ندارد، سر...
تا به زمانیکه بین المللی ندهد کار...
کاران را بعنوان یک مجموعه استمراری
کنند. لذا کارگران جهان به نقطه با یک
دشمن ملی "بلکه با یک دشمن جهانی
روبرو بوده و لذا می بایست در سراسر
جهان با یکدیگر متحد شده و متحداً همیشه
سرمایه داری را سرکینند. از این رو آمده
است که کارگران جهان "وطن ندارند،
تفاوتی نمی کنند متعلق به کدام ملیت
هستند، استثنای میشوند و منافع شان نیز
با یکدیگر خوش خورده و میبایست متحداً به
سراسر جهان بر خیزند.

البته این تنها شعبی مختصر
از انترناسیونالیسم پرولتری است
لیکن این مموله که بعنوان یکی از
اصول پایه ای مکتب کمونیسم شناخته
میشود، سیاسی و مود خاصی را سز در سر
میکرد که از جمله است:
۱- مبارزه طبقه کارگر یک کشور با بستنی
در خدمت مبارزه طبقه کارگر بین المللی
نرا رگر دو یا آن در تضاد نیست.

های آزادیبخش ملی و کارگری با بستنی
کینا رزده شود و آنها شبکه روسها ستوانند
نفوذ در رهبری این جنبش ها و با تحت
تا شیر قرار دادنشان از آنها بعنوان وجوه
معا مله و رقابت با امپریالیستها استفاده
نمایند، این جنبشها با بیدار بست در خدمت
آنان قرار گیرند.

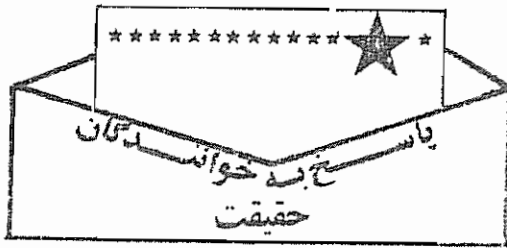
خط شی واحد کمونیستی برای سوب...
سال امپریالیستها یعنی کسانیکه
کمونیسم را تحریف کرده اند و از آنان
تنها بعنوان روپوشی برای احیاء اصول
سرمایه داری در شوروی و اعمال سیاست
امپریالیستی در جهان استفاده می نما...
بند، بالطبع نمیتوانند مطرح باشند، زیرا...
نیکه اصول مارکسیسم - لنینیسم توسط
با تدخول و شرف و بدین سال اورژانف ها
لگد مال میگردد، و شوروی مارکسیسم
لنینیسم درباره امپریالیسم، انقلاب
دولت، لزوم رهبری پرولتاریا و ساد...
انقلاب دمکراتیک نوین و سوسیالیستی
شبهه های نهر آ سیز و صالست آمیز سارزه
و درباره دیکتا نوری پرولتاریا و نقش
تاریخی آن و دهها مورد اساسی دیگر
نمی میگردد، صحبت از خط شی واحد
بین المللی و بیاد فاع از دستاوردهای
مارکسیسم - لنینیسم جز بیبیه سوده ای
خواهد بود.

برای روسها امپریالیستی
انترناسیونالیسم تنها یک معنی میدهد
و آنهم وابستگی و انقیاد ملی...
شوروی از سوی طبقه کارگر بین المللی
و خلقهای ستم دیده که برای سوسیالیسم
و یک حکومت کارگری مبارزه میکنند، می
باشد. "انترناسیونالیسم" نوع روسی
حیز مسخ شده ای از اصل مارکسیستی
این مقوله است. در این باره سده ها
در صورت امکان بیشتر سخن خواهیم
گفت.

سوسیالیسم و امپریالیسم

رفیقی در نامه ای یک سوال را
همراه با یک پیشنهاد مطرح نموده است
سوال این است که "پایه عینی اردوگاه
سوسیالیسم و تعداد آن ساردو گنا ه
امپریالیسم چگونه است."
در شماره پیش ما سوالی بطور سوال
فوق رایا سخ داده ایم و شماره آن رجوع
میدهم. لیکن اضافی بر آنچه گفته ام
فیه در صفحه ۲۲

۲- خط شی سیاسی طبقه کارگر میبایست
منافع مجموعه کارگران جهان را در سر
گیرد، و لذا میبایست بگردیک خط منسی
و احداثا در میان طبقه کارگر جهان
تضمین گردد.
۳- وفاداری به اصول مارکسیسم -
لنینیسم و دستاوردهای جنبش بین -
المللی کمونیستی و کارگری، بیوسوزه
در مرز بندی با انواع گرایش های ضد
پرولتری مانند روبریونیسیم کهن و نوپا
نروسیکیسم، و... که اشکال مختلف
نفوذ آید شولوی طبقه بورژوا در میان
طبقه کارگر است.
و... که این سون امکان بررسی
آنها را نمی دهد.
روبیونیسیتها ی روسی که به
سرمداری خروش و از اراط سالیهای
۱۲۳۰ به قدرت رسیدند و دستاوردهای
سوسیالیسم در شوروی را لگد مال نمودند
به هیچیک از اصول یا دنده انترناسیونالیسم
لنینیسم پرولتری پای بند نیستند.
آنان تنها میکوشند تا با حفظ یک ظاهر
کمونیستی خود را در میان جنبش کمسو -
نیستی و کارگری بین المللی جای دهند.
سوال امپریالیستها ی روسی
بر جنبش های کارگری و جنبشهای
آزادیبخش ملی که دفاعی قسود شرط
از آنان جز اصول انترناسیونالیسم
پرولتری است، با امپریالیستها سازش
مکنند و حاضرند آنها را بفروشند، و امر
وز به سرکوب مستقیم آنها نیز میپردازند -
زند، در واقع اصل اول انترناسیونالیسم -
لیسم پرولتری از سوی سوسیال امپر -
بالیستها ی روسی بصورت منکوس اجرا
مگردد. بدین صورت که حاکمین
شوروی کنوسی جنبش های کارگری
و آزادیبخش ملی را بمثابه ابزار ارضاء
منافع امپریالیستی خود میدانند و
انتظار دارند که همه این جنبشها
تا سنی از منافع آزمندانها آنها عمل
کنند، آنها شبکه ضرر روسها است جنبش



حندماعت قبل از برگزاری این سرنامه توطئه آسزودرعین حال بدون اطلاع آیت الله منتظری ورهبران حزب کدائی، تو- ضیح دهد.

کودتای حزب؟

سوال دوم این است که "سر مقاله حقیقت شماره ۱۰۱ به حزب جمهوری و احتمال خطر کودتا ارسوی آنها اشاره شده است. آیا امروزه خطر عمده ای که انقلاب ایران را تهدید میکند و لاکودتا و ناآرامی انجام آن از طریق حزب است؟ اگر نه دلیل اسکے سر مقاله یک شماره از نشریه با این مطلب اختصاص یافته چیست؟" اینکے سر مقاله این شماره به این موضوع اختصاص یافته است، بخاطر اهمیت است که حزب جمهوری اسلامی در سر نوشت سیاسی این مملکت - بصورت خطری حدی برای آن - دارا است. ما همواره تاکید کرده ایم که مبارزه ضد امپریالیستی را خطرا زشتکاری که امروزه با وجه تسلیم طلبی بسرمداری حزب جمهوری عمین شده تهدید میکند، و مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک در جامعه بطور خاصی در برابر حزب و دولت وابسته با و که دست در دست سرمایه داران بزرگ و ملاکان برعلیه آزادیهای سیاسی در جامعه مشغولند، شکل میگیرد. بعبارت دیگر هم مبارزه ضد امپریالیستی و هم مبارزه برای آزادیهای سیاسی و اجتماعی بطور لاینفکسی مبارزه بر علیه حزب جمهوری اسلامی را در بر میگیرد. لیکن در این مقاله خطر کودتا از سوی حزب بعنوان خطر عمده برای انقلاب ایران ذکر نشده، بلکه بعنوان یک خطر مهم تلقی گردیده است. فعالمتهای ارتجاعی حزب واقعا خطر بزرگی بسر ایادامه انقلاب را بدتلقی کرده، لیکن خطر کودتایکی از حوه این معالیتها را تشکیل میدهد. رهبری حزب - بری اسلامی را، سورزواهای دلال، مالکین بزرگ، ضد کمونسمنهای سر سخت و ماکلی ها ورهبران او با تشکیل میدهد که بعنوان عامل اصلی تفرقه و مآراجویی در جامعه و نیرو بی که برای تسخیر قدرت سیاسی حاضرند تسلیم در برابر بر قدرتهاست به حساب آید.

بنا بر این مبارزه با حزب جمهوری اسلامی بعنوان بخش حدی نا پذیر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی محسوب می گردد و خطر کودتا از سوی این حزب میسایست نمائنه یک خطر جدی تلقی گردد.

حزب چیست؟ پاسخ اینکه: اول گفته شده "بخشی از حزب و امام خمینی و... گفته شده "بخشی از روحانیون از احمال ردو جو - ردو در کسریهایی که مستواست سراجتی کنترل را از دست همه خارج کند بیمناک شده و مسادرت به لغو راهبمانی نمودند. شایعها نظوریکه در بیشتر متقالات حقیقت ملاحظه نموده اید، اختلاف طبقاتی میان امام خمینی که متعلق به خرده بورژوازی سنتی است با حزبان رهبری حزب که تماما پنده یک حزبان سورژوا دلال انحصار طلب میساید، همواره تاکید شده است. و نیز اینکه دستور لغو راهبمانی از سوی امام بالاخره ناشی از موضع طبقاتی و بودن مخالفت با حزبون میساید، سزدرست است. لیکن آنچه که مقاله حقیقت گوش به پاسخ آن نموده بود این است که چرا امام خمینی تنیاجندماعت قبل تر از برنا مراهبمانی دست به چنین اقدامی زد؟

چهارم خصیستی متوانست بخاطر اختلافات طبقاتی خود با این حزب نه تنها زودتر فال این نوع راهبمانیها را نکند، بلکه با خود حزب نیز میسواست مخالفت آنکار نماید، لیکن واقعیت چنین نیست. در همان مقاله ما در نظر داسن اختلافات طبقاتی میان امام خمینی و دارودسه حزب جمهوری، سر و حوه اشتراک اس دوناکند شده است. اصل مطلب این است که سوان هم و حوه اشتراک هم و حوه اشتراق میان طبقات منقادالمنافع را در یافت، از یکسو نمایدا اختلاف طبقاتی میان اسن دو حزبان را نادیده گرفت و از سوی دیگر سادونمی توان اتفاق نظر اسن دو حزبان را در سرحی زمینه ها را پشت گوش انداخت.

آنچه دارای اهمیت در این مقاله میساید، اس است که سمی شده عللست و آتمی دستور لغو راهبمانی را درست

اینکے اردو کا هوسیا لیسیم اگر سیمی اتحاد میان کسور های سوسا لیسیتی تحت یک سیاست و برنا مآ واحد مسطور است که با ارتشاد دبش تنظیمی از احزاب و کنورهای سوسا لیسیتی به مسحلاب ابورتونیسیم و روبریوسیسیم، دیگر وجود ندارد. لذا برای حسن اردو کا هی سیمی سوان با به عسی فائل س، اگر مسطور راه سوسا لیسیم و وجود سوسا لیسیم در حد اقل یک کشور است، که با به های عیسیتی آن را ساد در وجود دولت کارگری در این کشورها یافت.

بنا بر این تا زمانیکه حدافیل یک کشور سوسا لیسیتی در جهان وجود داشته باشد، تضاد میان سوسا لیسیم و امپریالیسم سمریسیتی واقعی خواهد داشت.

پیشیها شده است که سلسله مقالات آموزشی برای سسرمد سب سرا سون مساله سوسال امپریالیسم در نشریه منتشر گردید با سوان سب حلقی را سب مدافعین نیروی کنونی به پیش سرد. در پاسخ به این تمیق با سب گوئیسیم که پیشیها دشما در نظر گرفته میسود در موع مناسبی سب آن عمل خواهد مسکرد. موعی با سب.

س - الف از تهران

رفیق س - الف در ارتباط با سر مقاله شماره های ۱۰۱ و مقاله ۱۰۲ سخره حقیقت مطالبی سرامان مسساده است که سسر سب اراس برار مسساید: در شماره ۱۰۲ حقیقت "در مورد لغو راهبمانی کدائی ارسوی امام خمینی دلیل آورده که سخی از حزب و امام خمینی از ترس شان از سنی ضراستکار را کرده است، مقصود چیست؟ آیا سباید گفت لغو راهبمانی اولاً از طرف امام خمینی صورت گرفته و نا سب استکار سب سب اختلاف طبقاتی ایشان با حزب و اسکے راهبمانی سب سب حزب مسساید صورت گرفته است؟ آیا اس حرکت سب از سوی امام خمینی سب سب اختلاف او سب

پاسخ زیوانانه

بقیه از صفحه آخر...
 راسته به خویش در کشور ما خوا...
 هد کرد. معنای دیگر یادداشت
 دوم دولت روسیه در حکم اتمام
 حتی به ملت ایران بود و در آن
 از حقوق ویژه کمسولی (گا-
 بسولاسون) و حق مداخله
 در کشور ما صلاح غیرمستند
 ایران توسط دولت با صلاح
 متمدن روسیه صحبت شده بود.
 طبیعتاً دولت ایران، اگر
 واقعاً دولتی انقلابی و متکلی
 به مردم بود، باید در پاسخ به
 اراجیف توهین آمیز دولت
 قلدر روس این دولت را بخاطر
 انحال کشور ملت برادر و همسا-
 نه، ما افغانستان قاطعانه
 محکوم میکرد و به اس دولت
 حاضرسان مساجد کوحی ها
 ولکد مال کسدکان رواسط
 حاکی از تمدن مسان ملتها
 آن قدر هستندان جنایتکاری
 هستند که خاک ملت برادر ما را
 با توپ و تانک به اشغال خود
 در آورده، صدها هزارتن را کشتند
 و زخمی و اسیر کرده و حدود سه
 میلیون نفر را با چاره شرک
 وطن و آوار کشورهای دیگر
 گردا سده اند. دولت ایران
 با در ما مداران دولت روسیه
 را، که ردای امپراطوران سفاک
 با ریح گذشته، روس را سدوش
 افکنده اند، بخاطر اتمام حجت
 نوهی آمیزشان، بخاطر اهان
 و دشنام به ملت سر بلند ایران،
 به محاکمه میکشید و توهنشان
 میزد. با بد میخواست که از ملت
 ما بپوش خواجهی کنند، و اگر
 نمی کنند و قمد زورگوشی و قلدر

مآبی در کشور ما را دارند کم و
 دستگهان را جمع کنند و گور-
 شان را از سر زمین ما کم کنند
 - که ملت ایران تحمل حفظ
 رابطه برده و اربا اسر قدرتیا
 و دزدان دریا ش، نه شمالی
 و نه جنوبی اش، را نمیتواند
 داشته باشد.

نگفتند! دولتی که تجاوز
 به سرزمین ملت ستمدیده ای را
 در تمام اعلانات و بیانات
 رسمی و غیر رسمی خود امری
 "طبیعی" و ناشی از "همستگی"
 مسان ملتها و "انترناسیونال-
 لیسم" جا میزند! دولتی که
 کشتار و بیخاندان سازی
 بمیلونها انسان زحمتکش
 افغانی را سام "دفاع از
 حقوق زحمتکشان" و کمک سه
 "انقلاب رها شیبش" علمی
 میکند، چگونه تحمل ما شده،
 مخالفت حق طلبانه گروهی
 نظا هرکننده و شکسته شدن
 چند شش سفارتخانه اش را تدا-
 رد! آیا این مخالفت ها امری
 طبیعی و ناشی از همستگی
 بین ملتها و انترناسیونالیسم
 نیستند؟! چقدر مبنی برای
 سفارتخانه، دولتی که است
 و آسانش ملل متعددی را سیم
 رده و معمول غارت و تحاور
 و اشغال سرزمینهای دیگران
 است؟! امروز این دولت
 با صلاح طرفدار غرغ بیسن
 المللی "کشورهای متمدن"،
 حتی در مرزهای کشور ما، در
 آستارا و آرس، به تعدی و خراب
 کاری مشغول است، و ابسادی
 آن بطور غیر قانونی در منطقه
 ترکمن مجازات و آمد میکنند
 و به فروش احماس قاحاق و
 تسلیحات مشغول اند. هم
 اکنون بیفن معلوم شده
 است که دولت روسیه با صلاح
 متمدن چند لشکر در پشت مرزهای
 ایران به حال آماده باش در
 آورده و هر ارگای به مانورهای
 تهدید آسزمبارت میوزند،
 و تا کنون چند مورد تحریکات و
 زدو خورد های مرزی از سوی
 این متمدن های کذاشی

باعث شده است. حتی درباره
 خاساندن پاره ای از علامت
 های مرزی در سرحدات شمال
 غربی ایران از طرف دولت
 ظمک روسیه گفتگوهای وجود
 دارد و نشانهای موجود است،
 که متاسفانه دولت ایران از سر
 روسی و جنوبی درباره آنها
 مهر سکوت بر لب زده است. حالا
 اینها از برهم زدن جزئی
 امنیت اتباع سفارتخانه
 کذاشی خودشان و غرغ تمدن
 دم میزنند و بهانه برای مدا-
ظه ("را سا اقدام کردن") می
 جویند!! این سفارتخانه
 که لنگه دیگری از آن خاسوس
 خاسه آمریکا است، سرسماحان
 زورگوی آن خراب کرده!
 ولی دولت رجاشی در
 نامه خواسته خود به یادداشت
 های توهین آمیز دولت روسیه
 با زبونی بسیار در صدد توجیه
 و تعارف بر می آید و دوبار در ریک
 نامطلب به پیوزش خواهی می
 کشاید ("ضمن اظهار تاسف از...")
 و "تاریک از واقع مزبور
 اظهار تاسف نموده و.....")
 و حتی برای "حیران" با صلاح
 "خسارات ناشی از حادثه"
 کدا "تعهد" می سیارد (نگاه
 کسیده متن خواسته، دولت در
 روزنامه های عصر "اطلاعات"

۵ بهمن ۵۹)، بدون آنکه روی
 مسئله، املی با دد اذیت اعتراف-
 ضی دولت شوروی، که همانا
 تهدید سه مداخله در کشور ما است
 دست گذارده و با قدرت آنرا
 افشا کند، توی دهنشان بزند!
 دولت رجاشی که سیاست
 تسلیم طلبانه ای را در قضیه،
 خاسوسان آمریکائی به اجرا
 گذارد تا جا راست که همان سا-
 ست را در برابر قدرت دیگر
 نیز به اجراء گذارد و به جای سر
 افراحتن در برابر حرف زور و
 قلدری دولت های امپریالیستی
 با سری افکنده و روبرو شود. لیکن
 این سیاست، سیاست مسردم
 ایران نیست، و با بر قدرت غارت
 هر روس با بدیدانند که مردم بها
 خاسته ما را هر اسی از تهدیدات
 و اتمام حجت ها و قلدر مآبی
 های وی ضمیمه شد و بلکه برای
 رودر رو شدن با این اسر-
 قدرت، بویا هر دو با بر قدرت،
 که امری اجتناب ناپذیر
 در آسید، ملت جویای استقلال
 ما است، کاملاً ماده و حاضرند.



**این انبار هیچ ربطی به
 اتحادیه کمونیستهای ایران ندارد**

چهارشنبه ۲ بهمن ماه ۵۹ روزنامه اطلاعات، وفردای
 آن روز، روزنامه جمهوری اسلامی خبری داشت بر "انفجار انبار
 مهمات اتحادیه کمونیستها" در شقاطع بزرگراه مدرس و آفریقا
 انتشار داده اند، که هیچ ارتباطی به اتحادیه کمونیستهای
 ایران ندارد. اتحادیه کمونیستهای ایران بدین وسیله اعلام
 مبارکداده ای چنین انضاری نبوده و نصبت دادن انباریناد
 شده به این سازمان بی اساس میباشد.
 علاوه بر طبق معمول، که از هر خبر جعلی درباره سازمانهای
 انقلابی آنرا وسیله ای برای سیاه کردن این سازمانها میگردد-
 نند، در این خبر برای سیاه کردن سازمان ما شتی اراجیف
 نظیر کشت مجلات منافعی عفت و مشروبات الکلی چاشنی خریساد
 شده کرده و آنها را مفرضانه به سازمان ما نسبت داده اند.
 اتحادیه کمونیستهای ایران

شوراها باید متکی به کارگران باشند



تجربه ای از کارخانه هوخست

حالتی کارگران مشوجه نقش خود نمی شوند و لزوم دخالت مستقیم از طرف خود را نمی بینند و پس از مدتی شورا از کارگران جدا شده و مبارزات آن با کارفرما بصورت مبارزه چند کارگر با کارفرما درمی آید و در مواردی مشاهده میشود که حتی عضو یک شورا از طرف مدیریت از کارخانه اخراج میشود و او را کنش لازم از طرف کارگران در مقابل این حرکت صورت نمی گیرد. بالعکس اگر شورا کارگران را از مسائل مورد مبارزه و جوگی نگذارد و کنش مدیریت را با این مسائل مطلع کند و نتایج این مبارزات را بطور مداوم با اطلاع بقیه در صفحه ۴۰

می آید که برای می توانست دستخوش توطئه های کارفرما گشته و سرنگون شود. یکی از مهمترین دلایل این مطلب این است که اس شوراها مسائل و مشکلات درون کارخانه را با کارگران مطرح نمیکند و آنها را در جریان کار قرار نمی دهند. مثلاً شورا سر مسئله اخراج یک کارگر یا ملاک مسئله رنا همی سعی میکنند با استاد یا سکه کارگران با شورا هستند بدون تجربه آن قرار دادن کارگران با کارفرما به مقابله برخاسته و مسئله را در جلسات متعدد با کارفرما و نمایندگان او حل و فصل نموده و نتیجه را به کارگران اطلاع دهند. در چنین

حالت این شیراها بی تفاوت میوند؟ این سوالات جنیدی است که در جنبش کارگری ذهن کارگران بپروراند خود مشغول دانسته است. روند معمول یک شورا این بوده که در میان نورو در میان کارگران با سخی از آنها آردست میدهد؟ چراغ اس کارگران به سرسویب و ادامه

جرا شورا های کارگری که منتخب کارگران میروند در مقابله با توطئه های کارفرما ایستادگی لازم را نتوانستند از خودشان دهند؟ چراغ اس شوراها پس از جنیدی نمود خود در میان کارگران با سخی از آنها آردست میدهد؟ چراغ اس کارگران به سرسویب و ادامه

این پاسخ زیونانه پاسخ ملت ایران نیست

درباره پاسخ دولت رجائی به اراجیف

بیشزمانه دولت روسیه

وزارت امور خارجه دولت رجائی سرانجام پس از مدتی ائتلاف و نتایج پاسخی را به ما مه اها نت آموزد و سرزمانه روس انتشار داد که هیچ روان با هیچ رسنده ملت بیخاسته می باشد. این پاسخ نشانده روسی دولت رجائی در برابر یک امر عدالت سفاک و فاسد میماند! نشانده جوهر سلیم طلب حرب هوجی مسلکی است که اس دولت از آن دستور می گمرد.

پس از تظا هراب حقیقی طلباننده هزاران تن از برادران افغانی و مردم تهران در برابر سفارت دولت روسی که در تاریخ ۶ دسامبر ۱۳۵۹ در اعتراض به یک سال اسعاز و محاسبات اساعسان توسط ارسش سجا و رگر روسیه صورت گرفتست دولت اسنعماری روس طسی دو نوست در مسکو و تهران با داداشت

های اعتراضی توهین آمیزی را تسلیم مقامات دولت ایران کرد. دولت روسیه در اس با دداشتها حادثه کا سلا طبعی هجوم تظا هرکنسندگان حتمکن را به سفارتخانه روسیه در تهران که حدود یک ساعت بطول انجامد. بهانه کرده و معرغه به دولت اسران را مسئول اس نوع حوادث معرفی کرد. دولت روسیه سخرمی را نداننا را ساندکه در با دداشت درم خود به تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۳۵۹. ده از طرف وزیر مختار اس دولت در تهران تسلیم مقامات ایرانی شد. سالتحنی توهین آمیز و بطور غیر مستقیم ملت را ناقض اصول و عرف کشورهای منمدن بجسی وحشی حواسد و تهدید کسان اعلام داشت که از اس پس خود را با اقدام به تاسی اسنبت اساع و موسسات

خبری تحریف شده

از چین

هزمان با محاکمه گروه چهار نفره در چین خبرگزاریها گزارش میدهند که:

"چین اعلام کرد که فدا نقلایون و مجرمین با مصب گذاری تشکیل احتمالات سری و دخالت در اسواع شرارت ها کشور را در حالت از هم گسیختگی و بی نباتی قرار داده اند."

روزنامه آزادی چاپ شانگهای ادامه میدهد که "ارسین بردن گروه چهار نفری صلح و آرامش را ابتدا به کشور با زگردانده است ولی در حال حاضر در شانگهای و دیگر مناطق کشور مسائلی رخ میدهد که قابل توجه است. بطور مثال عدالت سعی دارند سلکت را دچار هرچ و مرج و بی نظمی کنند و از روش های انقلاب فرهنگی برای تحریک و ایجاد مشکلات استفاده میکنند. مردم بطرز وقیحانه ای سسه ساختن سب اقدام کرده اعلامیه های فدا نقلایی بر علیه رهبری را بین دیگران پخش میکنند و مشغول سازماندهی شبکه هایی از سازمانهای غیر قانونی هستند. در همین حال مجرمین با شرکت در رشوه خواری و فروش اسناد محرمانه دولتی. قتل و ایجاد حریق عمدی ... در حال از گسیختگی اوضاع اسنمادی کشور هستند."

(بسته در صفحه ۱۹)